



بیت سجده کبریا و مصلی نبی صلی اللہ علیہ وسلم



درد دلانا

عجائب المسیر فرحبہ راہ

ابوالفضل سبزی

درد دل

علیه السلام

امام زمان

مؤلف

ابوالفضل سبزی

سبزی، ابوالفضل
درد دل امام زمان علیه السلام / مؤلف ابوالفضل سبزی
قم - ملینا ۱۲۰ ص
۱۶۰۰۰ ریال، ۸ - ۴۴ - ۵۱۶۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸
م.ح.م.د (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امام دوازدهم، ۲۵۵ ق
مهدویت، پیام‌ها، رؤیت
۴ الف ۲ س / ۴ / ۲۲۴ BP
۲۹۷ / ۴۶۲
کتابخانه ملی ایران

شناسنامه کتاب

نام کتاب : درد دل امام زمان علیه السلام

مؤلف : ابوالفضل سبزی

تعداد صفحات : ۱۲۰

نوبت و تاریخ چاپ : اول / تابستان ۸۸

چاپخانه : گلبرگ

شمارگان : ۳۰۰۰

ناشر: مفاتیح قرآن

قطع : رقعی

شابک: ۰-۱۴-۲۷۸۱-۲۷۸۱-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش:

پخش کتاب افشار ۰۹۱۲۷۴۸۶۸۵۰

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَ الْأَكْبَرِ الْأَعْظَمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِظِرِ الْمُهَيَّبِ

اهداء:

تقديم به آخرين امام غريب كه عزيز
كننده اولياء خدا و خواركننده دشمنان
دين است.

جانم به فدايت يا صاحب الزمان عليه السلام

مورچه‌اي شعر سليمان سرود

بر همه عشاق سليمان درود

مقدمه

خدای عزیز مهربان در سوره مبارکه (یس) می فرماید: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»^(۱) یعنی واحسرتا بر این بندگان که هیچ رسولی برایشان نیامد مگر اینکه پیوسته او را مسخره کردند.

و اکنون سال ۱۴۲۶ هجری قمری، ۱۳۸۴ هجری شمسی و ۲۰۰۵ میلادی است، رسول ما کیست؟

هست یا نیست؟! غیبتش برای چیست؟

مگر برای ما نیامده، مگر نیامده که ما را هدایت کند، آیا هدایت

او از پس پرده است؟ این که کار خداست، اگر قرار بود هدایت تنها از پس پرده باشد که دیگر نیازی به ارسال رسول نبود^(۱) پس قطعاً آن حضرت برای غیبت خلق نشده است.

او هست، در میان ماست، اما ما او را نفهمیده‌ایم، باور نکرده‌ایم و یا خیلی کم به او اندیشیده‌ایم.

من نمی‌خواهم بگویم و احسرت بر شیعیان از مولا بی‌خبر، اما به راستی آیا این آیه بر ما صدق نمی‌کند؟ آیا مسخره کردن یک رسول، فقط زبانی است؟ اگر او بیاید و تو او را پشت در منتظر نگه‌داری این تمسخر و توهین نیست؟ پس و اسفا بر مردم قرن حاضر که بر منجی و هادی خویش پشت نموده و به بازی‌های دنیایی خویش سرگرم شده‌اند، و اسفا بر مردمی که از خورشید جهان افروغ غفلت نموده و به چوب کبریتی دل خوش کرده‌اند!!!

واحسرتا بر غیبت ما که باعث غربت یگانه حجت باقی مانده خدا در کره زمین شده است... و این غفلت به حدی است که دل امام زمان (ارواحنافداه) را به درد آورده و قلب نازنین آن آقای عزیز را رنجانده است به طوری که در ملاقات‌ها و تشرفات، مکرراً از غفلت و بی‌توجهی ما شکوه نموده‌اند و با مظلومیت تمام از ما خواسته‌اند که از خواب غفلت بیدار شویم و دست یاری به سوی صاحب و

ارباب خویش دراز نماییم و از صمیم قلب خواهان ظهور او شویم. این کتاب منعکس کننده بخشی از شکوه‌ها و پیام‌های غریبانه حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فده) است که تقدیمتان می‌گردد و در واقع مقدمه‌ای است برای کتاب ندای صاحب الزمان علیه السلام، یعنی در این کتاب تنها شکوه‌های امام عصر علیه السلام جمع آوری شده است و نتیجه‌گیری و راهکارهای رهایی از دوران غیبت و چگونگی یاری امام زمان علیه السلام را در کتاب دیگری با عنوان ندای صاحب الزمان علیه السلام نوشته‌ام و امیدوارم که خداوند دل‌های ما را به نور آن حضرت بیدار نموده و ما را از یاوران و زمینه‌سازان واقعی ظهور آن حضرت قرار دهد.

نیمه شعبان ۱۴۲۶

قم - ابوالفضل سبزی

شکوه‌های امام زمان علیه السلام

اکنون بیش از هزار و صد و هفتاد سال است که از عمر شریف مولا و آقای ما حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌گذرد. آن مولا و سروری که همه خوبان به او افتخار کرده‌اند و خوبان هر چه دارند در وجود مقدّس او جمع است، آن امام زمانی که انبیاء و اولیاء آرزوی ظهورش را داشته‌اند، آن آقای که اهل بیت علیهم السلام او را ثمره تمام تلاش‌ها و زحمات‌های خویش خوانده‌اند و آن خورشید تابناکی که جهان به نورش روشن می‌گردد، اکنون صدها سال است که در پس پرده غیبت مخفی شده و به خاطر غفلت و بی‌توجهی ما ظهور ننموده است. آن امام عزیزی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره با عظمت از او یاد نموده و سعادت واقعی را از آن یاران و منتظران او می‌دانستند و یاوران آن حضرت را برادران واقعی

خویش می خواندند و تأکید می نمودند که هر کس او را انکار کند مرا انکار کرده است.^(۱) گاهی اوقات نیز با حالتی خاص به حضرت زهرا علیها السلام نگاه نموده و خطاب به ایشان می فرمودند: «قسم به خدایی که جانم در دست اوست چاره‌ای نیست برای این امت مگر به وجود مقدس حضرت مهدی و او از فرزندان توست.»^(۲) آن آقای بزرگواری که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سعادت و خوشبختی واقعی انسان را در دوستی و محبت آن حضرت برشمرده و فرموده‌اند خوشا به حال کسی که محب و عاشق امام زمانش باشد.^(۳)

آن سید و سالاری که مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در فراقش بارها از درون دل آه می کشید و در حالی که اشک از دیدگان مبارکش جاری می شد می فرمود: «آه، چقدر دوست دارم او را زیارت کنم»^(۴) و باز می فرمود: «صاحب این امر تنها و یگانه و غریب است.»^(۵)

۱- کمال الدین صفحه ۲۱۱.

۲- کشف الغمّه صفحه ۳۸۲.

۳- ینابیع المودّة جلد ۳، صفحه ۷۷.

۴- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۱۵.

۵- کمال الدین جلد ۱، صفحه ۳۰۳.

و نیز می فرمود: «پدر و مادرم به فدای او باد.»^(۱)

آن عزیزی که امام مجتبی علیه السلام درباره او فرمودند: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۲)

آن آقای که حضرت امام حسین علیه السلام می فرمایند: «اگر در زمانش می بودم تا آخرین نفس خدمتش را می کردم.»^(۳)

آن سروری که امام سجاد علیه السلام به وجودش افتخار می نمود^(۴) و منتظران او را با فضیلت ترین مردم زمان ها می دانست.^(۵)

آن یگانه ای که امام باقر علیه السلام می فرمودند اگر در زمانش بودم جانم را برای او نگه می داشتم (و خود را فدای او می نمودم).^(۶)

آن مظهر زیبایی و آن آب حیاتی که امام صادق علیه السلام در فراقش دعای ندبه می خواند و گریه می نمود و مدام خطاب به آن وجود مقدس می فرمود: «جانم به فدایت، جانم به فدایت...»^(۷) همچنین زانوی غم در بغل می گرفت و می فرمود: «ای آقای من، غیبت تو

-
- ۱- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۳۱، الغیبة صفحه ۲۲۹.
 - ۲- ينابيع المودة جلد ۳، صفحه ۲۰۶، اصول کافی جلد ۱، صفحه ۳۷۱، الزام الناصب صفحه ۲۷.
 - ۳- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۴۸.
 - ۴- احتجاج جلد ۲، صفحه ۱۳۳، بحار جلد ۴۵ صفحه ۱۳۸.
 - ۵- كشف الغمة جلد ۳، صفحه ۳۱۲.
 - ۶- الغیبة مرحوم نعمانی صفحه ۲۷۳.
 - ۷- شرح و تفسیر دعای ندبه صفحه ۲۸۵ - ۲۹۱.

خواب از چشمانم ربوده و خاطر من را پریشان ساخته است.»^(۱)
آن خورشید تابناکی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مدام او را ستایش می‌کند و مکرر در مورد آن حضرت می‌فرماید: «پدرم فدای او باد، پدرم فدای او باد»^(۲)

آن ماه تابانی که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام وقتی نام مقدسش را می‌شنود قیام نموده و دست مبارکش را بر روی سر گذاشته و سه مرتبه می‌فرماید: «صلی اللّٰه علیه» و برای فرج آن حضرت دعا می‌نماید.^(۳)

آن ستاره نور افشانی که امام جواد علیه السلام در فراقش وقتی نام او را می‌برد گریه شدیدی می‌کند و برای مظلومیت و غربت او در آخر الزمان گریه می‌نماید.^(۴)

آن شهاب ثاقبی که امام هادی علیه السلام به پیروان آن حضرت سفارش می‌فرمایند که همواره چشم به راه و منتظر امام زمانتان باشید و از او غفلت نکنید.^(۵)

آن گوهر یکتایی که امام عسکری علیه السلام او را آقای اهل بیت

۱ - بشارة الاسلام صفحه ۱۴۴، ترجمه يوم الخلاص جلد ۲، صفحه ۳۳۵.

۲ - بحار الانوار جلد ۸۶، صفحه ۸۱

۳ - بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۵۴، الغدير جلد ۲، صفحه ۳۶۱.

۴ - اعلام الوری صفحه ۴۰۹، بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۵۸.

۵ - کمال الدین جلد ۲، صفحه ۳۸۱.

می خوانند و بسیار تعظیمش می دارد.^(۱)

آن عزیزی که از دیدگان پنهان است ولی هیچ چیز بر او پوشیده نیست، همه چیز را می بیند و از حال همه باخبر است.^(۲)

آن بزرگی که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام سالیان سال در انتظار ظهورش لحظه شماری می کند و آرزو دارد که آن حضرت ظهور نماید تا در رکاب او جهان را پر از صلح و دوستی نماید.^(۳) آن امام با عظمتی که حضرت خضر نبی علیه السلام که معلم و استاد حضرت موسی علیه السلام است و ولایت علمی بر بسیاری از انبیاء الهی دارد به این افتخار می کند که نوکر و خادم درگاهش باشد.^(۴)

او که وجه الله و واسطه فیض خدا بر تمام عالم است، او که در شأنش فرموده اند: «بیمنه رزق الوری»^(۵) یعنی به یمن وجود او خدا بندگانش را روزی میدهد. او که به خاطر وجود مقدسش خدا بر اهل زمین باران می بارد و به خاطر حضور او در کره زمین، زمین آرام است و اهلش را فرو نمی برد.^(۶)

۱ - منتهی الامال جلد ۲ صفحه ۷۳۵.

۲ - احتجاج جلد ۲، صفحه ۲۳۳ و ۵۹۷.

۳ - منتخب الاثر صفحه ۳۱۶.

۴ - کمال الدین جلد ۲، صفحه ۳۹۰.

۵ - مفاتیح الجنان، دعای عدیله صفحه ۱۷۶.

۶ - کافی جلد ۱، صفحه ۲۵۲.

آن قبله عشقی که وجود مقدّسش همچون کعبه است و همه موجودات باید به دور آن وجود مقدّس طواف کنند.^(۱)

آن آب حیاتی که بی حضور او همگان می میرند،^(۲) گلها می خشکند، پرها می ریزند، سرها می سوزند و دلها می پوسند.

آن محبوبی که باغیبتش دلها ابری و چشمها بارانی است و با ظهورش اهل زمین و آسمان و حتی ماهیان دریا و مرغان هوا خوشحال و مسرور می گردند.^(۳)

آن امام عزیز و مهربان که صاحب زمان و مکان است، ولی عصر و ولی امر است، خورشید شب است، خورشید مکه است، منجی انسانهاست، طراوت بخش خواب آلودگان و حیات بخش مردگان است و او که یگانه حجت خدا بر روی کره زمین و امام مبین است چرا غایب است!!!

او که سلطان جهان است چرا غریب است!؟

او که ملائکه افتخار خدمت درگاه او و حتی افتخار خدمت در نزد دوستان و شیعیان او را دارند^(۴) چرا باید آنچنان مورد غفلت ما

۱- امیرالمؤمنین صفحه ۱۲۹ و احقاق الحق جلد ۵ صفحه ۶۴۶.

۲- سوره مبارکه ملک آیه ۳۰.

۳- بحارالانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۵۰، المهدی صفحه ۲۲۱.

۴- عیون الأخبار الرضا جلد ۱ صفحه ۲۶۴.

واقع شوند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که خود غریب و زندانی بغداد است در مورد آن حضرت بفرمایند: «او طرد شده است، او غریب واقعی است، او تنها و غایب از اهل است...»^(۱)

روضه آخرین امام

به راستی چرا آقا غریب است؟ چرا کمتر کسی به فکر اوست؟ شاید بگویید می خواهم برایتان روضه بخوانم، خب برای سایر ائمه اطهار علیهم السلام همیشه روضه می خوانیم، بگذار یک مقدار هم برای امام زمان عزیزمان روضه بخوانیم، اینها که می خوانید احساسات شخصی یک فرد نیست، اینها حقیقت است، اینها درد دل است، این کتاب، روضه آخرین امام است که می خوانید. آخرین امام، مظلوم ترین امام، غریب ترین امام...

کسی که علی مظلوم برایش آه بکشد!^(۲) کسی که موسی بن جعفر غریب برای غربتش گریه کند^(۳) کسی که امام رضای غریب الغربا در موردش بگوید: «او شبیه من است»^(۴) یعنی غربتش هم

۱- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۵۱.

۲- بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۱۵.

۳- بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۵۱.

۴- کمال الدین جلد ۲ صفحه ۳۷۱، بحار الانوار جلد ۵۱ ص ۱۵۲.

شبيه من است، پس واقعاً مظلوم است و غریب!
 کسی که همه ائمه، انبیاء، اولیاء و شهدا بر غیبت و غربت و
 مظلومیتش گریه کنند پس روضه اش خواندنی است. باید این
 روضه را خواند تا شاید با ابری شدن دلها و بارانی شدن چشمها،
 زندگی دوباره به ارواح خواب رفته انسانهای آخر الزمان برگردد.
 شاید مردم بیدار شوند و شاید برای نجات خود و جهانیان قدمی
 بردارند.

روضه آقا شنیدنی است

روضه آقا شنیدنی است. او همه دردها را دیده است، اشک
 چشمان زیبای او بر هر سامانی باریده است، قلب مهربان پیامبر صلی الله علیه و آله
 در سینه اش است، دست یتیم نوازی علی علیه السلام، لطف و عنایت
 مادرش زهرا علیها السلام، عبادت و راز و نیایش زیبای امام سجاده علیه السلام، علم
 امام باقر و امام صادق علیهما السلام شرح صدر امام کاظم علیه السلام رضایت امام
 رضا علیه السلام، سخاوت امام جواد علیه السلام هدایت امام هادی علیه السلام و اخلاق
 کریمانه پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام در او جمع است.
 دیگر از حسن جمال یوسف و صبر ایوب و استقامت نوح و
 امثال آن که دیگر نیاز به گفتن نیست.

و مصیبت اینجاست که یک چنین مخلوق با عظمتی که آنچه

خوبان همه دارند او در وجود خود جمع کرده و بهترین و بزرگترین بنده خداست، مظلومیت و غربت همه انبیاء و ائمه علیهم السلام را هم داراست. او خانه نشینی امام علی علیه السلام را به جان دل خریده او نیز همچون علی، مظلوم است، جای او را، حق او را و خلافت او را نیز غصب نموده اند، فکر می کنید غاصبین سقیفه نشین امروز چه کسانی هستند؟ چشم باز کنید، به روشنی خواهید دید، غاصبین امروز خلافت آخرین امام، کسانی هستند که حب جاه و مقام چشمانشان را کور کرده و به خاطر اینکه مبادا سلطنت و حکومت خود را از دست بدهند حاضر نیستند نامی از امام زمان علیه السلام برده شود. آنها کسانی هستند که غرور و خود خواهی آنها به جایی رسیده که همه دنیا و آنچه در دنیا هست را مال خود می دانند و خود را ارباب و سلطان بزرگ دنیا می خوانند، دم از حقوق بشر می زنند و بویی از انسانیت نبرده اند، می گویند ما خواهان صلح و اصلاحیم ولی صدای هولناک تیر و تفنگشان از یک سو و دامن خونین آنها از سوی دیگر نشانگر آن است که آنها همان دشمنان مصلح آخر الزمان اند.

آنها می خواهند خودشان باشند و اقتدارشان و دیگر هیچ! آنها تاریکند و تاریکی را می خواهند و لذا جایگاه خورشید را غصب نموده اند.

آری! این روضه غصب خلافت علی زمان است و او نیز درد دلش را با چاه در میان می‌گذارد و شرح حال غریبانه‌اش را به بیابان می‌گوید و بیابان شاهد این درد است.^(۱) اگر دست امام علی علیه السلام را بستند و او را خانه نشین کردند، دل امام زمان ما را هم شکسته‌اند و او را پرده‌نشین کرده‌اند.

اگر درب خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را شکستند و درب شهر علم و دانش را بستند، اکنون نیز خورشیدی که به علم و حکمتش دنیا روشن می‌شود در پس ابرهای بی‌معرفتی ما انسان‌های آخر الزمان پنهان شده است.

غربت امام مجتبی علیه السلام که حتی دوستان نزدیک آن حضرت، او را تنها و غریب گذاشتند، اکنون نصیب فرزند غریبش شده است.

مظلومیت سید الشهداء علیه السلام که فریاد می‌نمود «هل من ناصر ینصرنی» اکنون ندایی است که از نای مبارک حضرت حجة بن الحسن علیه السلام به گوش جان می‌رسد.

غربت امام سجاد علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز اکنون دامنگیر آخرین غریب مدینه است.

اگر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را هفت الی چهارده سال زندانی کردند و حقش را نشناختند، امام زمان عزیز ما اکنون بیش از

هزار و صد و هفتاد سال است که در دنیای ما زندانی شده و شاهد آسفتگی زندان و زندانیان است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام اگر مجبور شد از مدینه هجرت کند و به زور با مأمون الرشید ظالم بیعت نماید، امام عصر ارواحنا فداه در تمام طول عمر کبوتر مهاجر است و به خاطر خواب غفلت ما شیعیان مجبور است ظلم و جور ظالمان را ببیند و صبر کند و خون دل بخورد.

امام جواد علیه السلام اگر جوان ترین امام است که با مظلومیت تمام شهیدش نمودند حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز از سن پنج سالگی در پرده غیبت به سر می برد و در این مصیبت می سازد و می سوزد. و امام هادی و امام عسکری علیه السلام اگر در پادگان نظامی (معسکر) تحت محاصره شدید نظامیان و حکومتیان بودند، امام زمان ما نیز در تمام این هزار و صد و هفتاد سالی که گذشته در پشت ابر گناه و غفلت و نادانی ما پنهان و محصور بوده اند!

او خوب ترین خوب ها و زیباترین زیباهاست که تمام دردها و مصیبت ها را به جان دل خریده است و اوست که می سوزد و می سازد و سالیان سال است در انتظار است...

او صاحب و آقای ماست، ما این را نمی فهمیم، اگر این حقیقت را باور کنیم که بهترین مخلوق خدا، آقا و صاحب ماست آیا همین

طور خواب و خموش می مانیم؟! آیا باز گناه می کنیم!؟

اگر این را بفهمیم که بزرگ ترین افتخار برای یک انسان فقیر سر تا پا نیاز این است که او را بر خوان شاه شاهان و سلطان جهان، مهمان کنند و به او اجازه دهند که نام مبارک آقای بزرگ عالم را به زبان جاری کند، دیگر هرگز غفلت نخواهیم کرد و چشم به سفره های دیگران نخواهیم دوخت.

اما افسوس! افسوس از این همه بی توجهی و غفلت، ما سفره نشینان شاه عالمیم ولی همواره چشم به دست گدایان دیگر، مات و مبهوت یک قرص نانیم!

چه مصیبتی از این بالاتر است که آن امام زمان بزرگواری که به یمن برکت وجود مقدّسش تمام مخلوقات روزی می خورند، امام و آقا و سرور ما باشد و ما یک چنین وجود مبارک و عزیزی را داشته باشیم ولی درب خانه این و آن را به صدا در آوریم.

چرا باید امام زمان مهربان ما بفرمایند حتی نمک طعام خود را هم از ما بخواهید کنایه از اینکه هر حاجتی دارید به ما اهل بیت متوسّل شوید ولی ما از آن حضرت غافل باشیم و در این همه گرفتاری که ما را محاصره کرده دست و پا بزنیم.

چرا با این که امام زمان علیه السلام می فرمایند: «ما از حال شما با خبریم

و شما را به حال خود وانگذاشته‌ایم»^(۱) اما ما اصلاً توجهی به آن آقای رئوف و کریم نداشته باشیم؟!

امام زمانی که در دعاها و مناجاتشان پیوسته برای شیعیانشان دعا می‌کنند^(۲) و در این باره فرموده‌اند: «انّی لأدعوا لمُذنبی شیعتنا فی الیوم واللیلۃ مائة مرّة»^(۳) یعنی من در شبانه روز صد مرتبه برای گنه کاران از شیعیانم دعا می‌کنم. این چنین امام رئوف و مهربانی چرا باید با کمال مظلومیت غریب و تنها واقع شوند به طوری که شیعیان، خود را برای یاری آن حضرت آماده ننمایند و امام خود را یاری نکنند و حتی با گناهان خود قلب عزیز آن بزرگوار را از خود برنجانند!

و چرا این غفلت‌ها و بی‌توجهی ما باید به جایی برسد که امام زمان ارواحنا فداه مکرر از رفتار و اخلاق ما شکوه نموده و توسط نواب خاص و عام و یا برخی از محبتین یا اولیاء خدا برای ما پیام بیدار باش بفرستند.

به راستی آیا تا به حال به شکوه‌ها و پیام‌های بیدار کننده امام زمان خویش توجه نموده‌ایم؟ آیا می‌دانیم آن حضرت مکرر از ما

۱- کلمة الامام المهدي صفحه ۱۵۳.

۲- العبقري الحسان جلد ۱ صفحه ۱۲۲.

۳- القطره جلد ۲ صفحه ۵۵۱.

خواسته‌اند که با هم یکدل و یکپارچه شویم و با دوری از گناه و معصیت زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم آوریم.

آیا تا به حال پیام‌ها و شکوه‌های مولای خود را شنیده‌ایم، شاید نشنیده‌ایم و شاید هم شنیده‌ایم ولی به راحتی و بدون هیچ گونه تأملی از کنار آنها گذشته‌ایم.

به هر حال مهم این است که به آنچه شنیده‌ایم کمی فکر کنیم و با تفکر در پیغام‌های مظلومانه حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه کمی به خود بیاییم و بالبیک گفتن به آن حضرت، به تنهایی و غربتش پایان داده و شاهد روشن شدن جهان، با نور پر فروغش باشیم.

اکنون خوب است با توجهی کامل و نگاهی عمیق مروری دقیق بر شکوه‌ها و پیام‌های مولای خویش داشته و روح سرگشته و حیران خود را با انوار هدایتگر آن خورشید درخشان به سوی حقیقت معطوف نماییم.

اوامر و نواهی ما را ترک نکنید

حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه در یکی از نامه‌های خود به شیخ مفید رحمته الله خطاب به شیعیان خود فرمودند:

«در برابر فتنه‌ها و امتحاناتی که پیش می‌آید و البته عده‌ای در این آزمایش‌ها هلاک می‌شوند، مقاومت کنید و البته همه اینها از

نشانه‌های حرکت و قیام ماست. او امر و نواهی ما را ترک نکنید و بدانید با اینکه کفار و مشرکان از دین خدا کراهت داشته و ناخشنودند ولی به هر حال خداوند نور خود را تمام خواهد کرد... پس سعی کنید اعمال و رفتار شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهایی که موجبات نارضایتی ما را فراهم می‌کند بترسید و دوری نمایید.

امر ظهور و قیام ما با اجازه خدا به طور ناگهانی می‌رسد و در آن موقع دیگر توبه فایده‌ای ندارد، اطاعت نکردن از دستورات ما موجب می‌شود که انسان‌ها بدون توبه از دنیا بروند و پشیمانی آنها دیگر سودی نخواهد داشت. (بنابراین با پاکی و دوری از گناه خود را برای ظهور ناگهانی ما آماده کنید.)^(۱)

من صبر می‌کنم و شما بر من گریه کنید

یکی از علماء بزرگ و مراجع تقلید نقل می‌فرمودند:
چندی قبل یکی از علماء بزرگوار توفیق ملاقات با امام زمان علیه السلام را پیدا کرده و آن حضرت را از نزدیک زیارت نموده‌اند در حالی که آن امام مظلوم با حالتی غریبانه به ایشان فهمانده بودند

۱ - احتجاج جلد ۲ صفحه ۵۹۷، بحار الانوار جلد ۵۳ صفحه ۱۷۵، امام زمان و شیخ مفید،

فصل توقیعات صفحه ۱۱۸ و صفحه ۱۱۹.

که: «أنا صابرٌ على هذا الأمر و لكن اندیونی، اندیونی، اندیونی»^(۱)
 یعنی من بر این امر (غیبت) صبر می‌کنم و لیکن شما بر من با آه و
 ناله بلند گریه کنید، گریه کنید، گریه کنید.

به راستی چرا حضرت صاحب الزمان علیه السلام با تأکید خاصی
 شیعیان خود را به ندبه و ناله آن هم با صدای بلند و با استغاثه دعوت
 می‌کنند؟ چرا باید گریه کرد؟ چرا باید ندبه کرد؟

یا مگر روز جمعه روز عید مسلمانان نیست؟ پس چرا شیعیان
 روز عید جمعه را به ندبه و گریه و ناله در فراق صاحب و مولای
 خود می‌گذرانند؟

چرا امام صادق علیه السلام در روز جمعه ندبه خوانده و این دعا را به
 ما آموخته‌اند؟

چرا به ما گفته‌اند در فراق آن حضرت گریه کنیم، چرا؟...
 اگر اهل درد باشیم و معنای واژه عشق را تا حدودی باور کنیم،
 اگر بفهمیم ارتباط عاشق و معشوق یعنی چه، اگر بفهمیم که ما یتیم
 هستیم^(۲) و اگر باور کنیم که جدایی از امام زمان علیه السلام یعنی چه، دیگر
 نیازی به این نیست که به ما گفته شود گریه کنیم بلکه وجودمان
 حس می‌کند که زمان، زمان گریه است، باید حس داشت تا درد را

۱ - وقت المعلوم، صفحه ۲۳۲.

۲ - مکیال المکارم جلد ۲، صفحه ۲۵۷ به نقل از تفسیر امام صفحه ۱۱۴.

فهمید و باید اهل درد بود تا تشنه درمان شد، آیاتاً به حال کسی به دردمند گفته است ناله کن یا او خودش ناله می‌کند؟ آیا کسی به یتیم می‌گوید در فراق پدرت گریه کن یا او خود گریه می‌کند و به سر می‌زند؟ پس زمان، زمان گریه است که آن حضرت به ما می‌فرمایند شما بر من گریه کنید و ناله سر دهید.

چشمه‌گریبان شده!

یکی از دعا‌های فرج، دعایی است که حضرت صاحب الزمان (روحی فداه) در مناجات با خدای خویش بسیار سوزناک و منقلب کننده قرائت نموده‌اند که مانیز باید آن دعا را بخوانیم و ترجمه دعا این است: «پروردگارا! این دین تو است که اکنون به خاطر فقدان (و عدم دسترسی مردم به) نماینده تو و جانشینت در زمین گریبان شده، پس خدایا رحمت خاص خود را بر محمد و آل محمد نازل فرما و در ظهور آن حضرت عجله کن تا به دینت رحم کرده باشی. خدایا و این قرآن کتاب تو است که برای غیبت ولی تو گریبان شده پس رحمت خاص خود را بر محمد و آل او نازل کن و در فرج امام زمان علیه السلام عجله کن تا به قرآن رحم کرده باشی. (و آن را از غربت به در آوری).

ای محبوبم، ای پروردگار مهربان! این چشمهای مؤمنین است

که در فراق ولایت (امام زمان علیه السلام) گریان شده، پس صلوات و رحمت بی پایانت را بر محمد و آل محمد فرو ریز و در فرج آن حضرت عجله کن تا به مؤمنین رحم کرده باشی. پروردگارا رحمت خاص خود را بر محمد و آل محمد فرو ریز.»^(۱)

لازم به ذکر است این دعایی که امام عصر (ارواحنا فداه) در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده‌اند، در حقیقت به ما یاد می‌دهد که همیشه به یاد آن حضرت بوده و برای ظهورش دعا کنیم، لذا عین دعا را برای شما نقل می‌کنیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ هَذَا دِينُكَ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ رَحْمَةً لِدِينِكَ، اللَّهُمَّ وَ هَذَا كِتَابُكَ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ رَحْمَةً لِكِتَابِكَ.

اللَّهُمَّ وَ هَذَا أَعْيُنُ الْمُؤْمِنِينَ أَصْبَحَتْ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.^(۲)

۱ - کتاب در اوج تنهایی و راهی به سوی نور، ص ۱۶۹.

۲ - همان منبع پیشین.

چشم گریان حضرت زهرا علیها السلام

با این مصائبی که به خاطر نادانی، سستی و غفلت ما به آن حضرت رسیده است به خدا قسم سزاوار است دین گریه کند، قرآن گریه کند، ائمه اطهار علیهم السلام گریه کنند و حق دارد که حضرت زهرا علیها السلام هم گریان شود، حق دارد برای مظلومیت فرزندش اشک بریزد و ناله سر دهد.

یکی از طلاب علوم دینی که مورد اعتماد من است نقل می کرد: در یک ماه رمضان به خاطر بیداری در شب قدر بعد از طلوع آفتاب خواستم کمی استراحت کنم. ناگهان در عالم مکاشفه منظره‌ای را دیدم که تمام وجودم منقلب شد، من خواب نمی دیدم، دقیقاً متوجه بودم که نه خوابم و نه بیدار، در همان حال چشمی را در هاله‌ای از نور دیدم که اشک از آن جاری بود. انگار آن چشم، چشم تمام عالم بود، همین طور که من هم با دیدن قطرات اشکی که از آن چشم می ریخت دلم شکسته بود پرسیدم خدایا این چشم کیست که این چنین گریان است؟

در همان حال به من گفته شد: «این چشم حضرت زهرا علیها السلام است که در مصائب فرزندش حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام گریان است.» اینجا من هم شروع کردم به گریه کردن

و نزدیک بود جان از بدنم خارج شود که فوراً به حالت عادی برگشتم و شاید اگر لحظه‌ای دیگر آن منظره سوزناک را می‌دیدم قالب تهی می‌کردم.^(۱)

من هم مثل جدم حسین تنها هستم!

یکی از علماء ماجرای ملاقات خود در حرم حسینی را اینگونه نقل می‌کند: امام زمان علیه السلام که جان همه عالم به قربانش را دیدم که خطاب به حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌فرمود: «شما در کربلا تنها ماندید، من هم در این زمان تنها مانده‌ام!» در اینجا آن حضرت به من توجه خاصی نمود و فرمود: زیارت عاشورا را بخوان، من می‌خواستم زیارت عاشورا را بخوانم ناگهان به جای زیارت به طور ناخودآگاه شروع به گریه کردم که دیدم آن حضرت خودشان مشغول خواندن زیارت شدند و من گوش می‌دادم و گریه می‌کردم، آن حضرت نیز گریه زیادی می‌کردند و با صدای بلند می‌فرمودند: «حسین جانم، حسین جانم...»

امام عصر (ارواحنا فداه) چنان زیارت عاشورا را می‌خواندند که حس می‌کردم این کلمات و جملات با غم و اندوه فراوانی از قلب و زبان مبارکشان خارج می‌شود.

توقع امام زمان از شیعیان

شور و حال عجیبی در حرم حکمفرما بود، سپس حضرت ولی عصر علیه السلام به من فرمودند:

«شما وظیفه دارید از کانال حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مرا به تمام دنیا معرفی کنید، چرا به شیعیان نمی گوید من هم مثل جد بزرگوارم حضرت سیدالشهداء علیه السلام تنها هستم، آقا امام حسین علیه السلام اگر در صحرای کربلا تنها ماند من هم در صحراها تنها هستم و هر لحظه ندای «هل من ناصر ینصرنی» را سر می دهم و کسی به ندای من توجهی نمی کند، چون شیعیان به آقا امام حسین علیه السلام علاقه خاصی دارند شما می توانید از این راه، مظلومیت ما را با زبان و قلم خود به آنها معرفی کنید، ما این را تا به حال از هیچ کس نخواستیم، فقط از شما شیعیان خواسته ایم!»

تزکیه نفس کنید

عرض کردم: چرا؟ حضرت فرمودند: چون محبت به ما و حضرت سیدالشهداء و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در جان و دلتان وجود دارد و این محبت از عالم ارواح و عالم ذر^(۱) دست

۱ - عالم ارواح و عالم ذر عوالم قبل از عالم رحم مادر و عالم دنیا می باشد.

نخورده باقی مانده است، شما (اگر می خواهید ما را یاری کنید) تزکیه نفس کنید و علم و حکمت (که همان معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام است) رایاد بگیرید، خدای متعال و ما و حضرت سیدالشهدا علیه السلام حتماً شما را کمک خواهیم کرد و رشد خواهیم داد.»^(۱)

سه واژه در دیدگاه دشمنان

(۱) انتظار امام زمان علیه السلام

(۲) امام حسین علیه السلام

(۳) ولی فقیه

در حاشیه این سخن بد نیست بدانیم که اکنون دشمنان ما از سه موضوع مهم بسیار می ترسند و این سه واژه برای آنها به عنوان یکی از مباحث مهم همیشه مطرح است. اولاً دشمنان ما از نام و یاد ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً حضرت سیدالشهداء علیه السلام بسیار هراسان و هول زده هستند. آنها با خود می گویند «ما نمی دانیم این حسین علیه السلام کیست؟! ما هر موقع جلسه یا کنفرانسی داشته باشیم باید کلی تبلیغات انجام دهیم، باید کلی برنامه ریزی نموده و طرح های مختلفی ارائه بدهیم تا شاید بتوانیم جلسه با شکوهی

داشته باشیم اما این شیعیان با یک یا حسین تمام ملت را دور خود جمع می‌کنند با یک استکان چای از هم پذیرایی می‌کنند، با یک قطره اشک عقاید خود را محکم می‌کنند و با روحیه‌ای پر نشاط مجلس را تمام می‌کنند، یک روضه خوان ساده برای آنها صحبت می‌کند، با اینکه تاریخ کربلا هرگز تغییر نمی‌کند و اکنون صدها سال از آن حادثه می‌گذرد، اما شیعیان همیشه داغ دلشان برای حسین علیه السلام تازه است!

آنها گریه می‌کنند اما این گریه قلب آنها را با نشاط و پر طراوت می‌کند، آنها با گریه روحیه می‌گیرند و دین و آئین خود را در قلبهای خود تثبیت می‌نمایند. آنها حسین علیه السلام را دارند و همین برای آنها کافی است...»

دومین واژه‌ای که دشمنان خیلی از آن می‌ترسند مسأله ظهور امام زمان علیه السلام، موضوع مهدویت و فرهنگ انتظار ما شیعیان است. آنها در این رابطه می‌گویند: «فرهنگ انتظار به جوانان امید می‌بخشد و روحیه با نشاط و امیدوار به آنها داده و افکار آنان را شکوفا می‌سازد، هر چه ما در تضعیف روحیه آنان فعالیت کنیم در مقابل، فرهنگ مهدویت و انتظار باعث رشد فکری و عقیدتی آنها می‌شود، هر چه ما در ترویج فساد و فحشاء فعالیت کنیم فرهنگ انتظار دقیقاً در مقابل ما باعث رشد فرهنگی و اخلاقی جامعه

مسلمان می باشد. بنابراین اکنون این فرهنگ یکی از موانع
فعالتهای ما در میان شیعیان ایران است...»

به همین جهت دشمنان ما هم اکنون جبهه سختی بر علیه
فرهنگ مهدویت گرفته و حسابی با آن مبارزه می کنند. و سومین
واژه ای که دشمنان ما سخت از آن آزرده خاطر گردیده و هراسانند
مسأله جانشینی ولی فقیه در زمان غیبت امام زمان (ارواحنا فداه)
است که باعث انسجام مردم و امت اسلامی می گردد.

به هر حال دشمنان از این سه واژه بسیار هراسان بوده و تمام
سعی و تلاش خود را برای دلسرد کردن مردم نسبت به این سه
موضوع مهم به کار گرفته اند.

لذا ما باید مراقب باشیم در مجالس امام حسین علیه السلام طوری
برخورد نکنیم که هدف اصلی قیام عاشورا فراموش شود و با اشعار
نامناسب و حرکت هایی که در شأن مجلس اهل بیت علیهم السلام نیست
باعث تضعیف شعائر الهی نشویم بلکه روز به روز بر شکوه و
عظمت آن افزوده و با عشق و معرفت مجالس خود را بیش از پیش
تعظیم داشته و به عنوان یک شعار الهی در تمام جهان به نمایش
بگذاریم و به فرمایش حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) از طریق
همین مجالس و به وسیله نام مقدس امام حسین علیه السلام دلها را متوجه
امام زمان علیه السلام نموده و فرهنگ مهدویت و انتظار را ترویج دهیم.

شیعیان مرا نمی خواهند

یکی از کسانی که توفیق ملاقات با امام عصر علیه السلام را پیدا کرده و آن حضرت را در حالی ملاقات نموده است که بسیار ناراحت بوده و گریه می کرده اند. می گوید: از آن حضرت سؤال کردم: آقا جان! ای سرورم، چرا این قدر گریه می کنید؟ حضرت در جواب فرمودند: «شیعیان مرا نمی خواهند!»

باز پرسیدم: آقا جان، قربانتان بروم، اکثر مردم شما را می خواهند و همیشه برای فرج شما دعا می کنند.

حضرت فرمودند: «از صد نفر، یکی از آنها از ته قلب برای فرج من دعا می کنند اگر فقط شیعیان ایران، یک بار برای ظهور من انقلاب می کردند (و با هم مرا می خواستند) خداوند ظهور و فرج مرا می رساند.»^(۱)

آری! اگر شیعیان ایران، همه با هم یک انقلاب درونی و اخلاقی پیدا کنیم و با هم همدل شده و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم آوریم حتماً ظهور آن حضرت فرا می رسد. یکی از بزرگان در این زمینه می فرمادند: اگر مردم یک حالت انقطاع پیدا کنند و یکباره دلشان از همه جا بریده شود و فقط متوجه امام زمان علیه

السلام شوند، حتماً به خواست خدا ظهور انجام می‌شود، گاهی حتی برای یک مسابقه فوتبال، چون اکثر مردم کشور قلبشان متوجه خدا شده و با هم دعا می‌کنند، نتیجه را تغییر می‌دهند و این سخن خداست که فرموده «اگر دعای شما نبود خدا به شما توجهی نمی‌کرد.»^(۱)

اگر شما بخواهید ما می‌آییم

امام زمان ارواحنا فداه سال‌ها قبل نیز این مطلب مهم را از طریق مرحوم شیخ مفید رحمته الله به ما رسانده و فرموده‌اند: «اگر شیعیان ما که خداوند آنها را در بندگی خود موفق بدارد در وفای به عهد و پیمانی که با ما بسته‌اند با هم یکی می‌شدند هرگز از میمنت دیدار ما محروم نمی‌گشتند و زودتر به این سعادت می‌رسیدند، آن هم دیداری بر مبنای معرفت و شناختی درست و صداقتی از آنان نسبت به ما.»^(۲)

دل‌م خون است!

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد موسوی که از شیفتگان حضرت امام عصر علیه السلام می‌باشند از یکی از علمای ربانی

۱ - سوره فرقان آیه ۷۷.

۲ - بحار الأنوار جلد ۵۳ صفحه ۱۷۷، احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۹۸.

نقل می‌کنند که ایشان خدمت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) مشرف شده و آن حضرت را با حالی غمگین ملاقات می‌نمایند. ایشان می‌گویند: خدمت امام زمان (ارواحنا فداه) رسیدم در حالی که آن حضرت بسیار غمگین و ناراحت بودند. از حضرت علت ناراحتی ایشان را جویا شدم. آن حضرت فرمودند: «دلم خون است، دلم خون است!»^(۱)

من مظلوم ترین فرد عالم

حجة الاسلام و المسلمین حاج سید اسماعیل شرفی رحمته الله
می‌گوید:

به عتبات عالیات مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالا سر حرم مطهر امام حسین علیه السلام مستجاب است در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال نورانی و بی مثال آن بزرگوار روشن نماید.

همین طور که مشغول زیارت و مشتاق دیدار مولایم بودم ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه درابتدا آن

حضرت را نشناختم ولی به شدت مجذوب آن امام عزیز شدم. پس از سلام از ایشان سؤال کردم: آقا جان شما کیستید؟ آن حضرت فرمودند: «من مظلوم‌ترین فرد عالم هستم!»

من در آن لحظه متوجه نشدم و با خود گفتم شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌دانند، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست.

اینجا بود که یقین کردم آن شخص بزرگوار کسی جز یوسف گم‌گشته حضرت زهرا علیها السلام نبوده است و آن حضرت مظلوم‌ترین فرد عالم در روی کره زمین هستند. (۱)

سفره نشینان بی‌وفا

مرحوم مشهدی حسن یزدی که از صالحین و منتظران حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) بوده است می‌گوید:

تقریباً در سال ۱۳۵۰ شمسی، یک روز صبح زود به کوه خلج (۲) رفتم و در آنجا مشغول زیارت خواندن و توسل به امام زمان علیه السلام شدم. حال خیلی خوبی داشتم و با آن حضرت مناجات می‌کردم و

۱ - منتخب صحیفه مهدیه، ص ۲۵، شیفتگان حضرت مهدی جلد ۳ صفحه ۱۶۰.

۲ - کوهی در قسمت قبله مشهد.

می گفتم: آقا جان! ای کاش زودتر ظهور می کردید و من هم ظهور شما را درک می کردم. پس از توسل از کوه پایین آمدم و به منزل رفتم تا قدری استراحت کنم. نمی دانم در عالم رؤیا بود یا در خواب و بیداری که دیدم در همان مکان روی کوه خلیج هستم و آقا و مولایم صاحب الزمان علیه السلام در حالی که دست هایشان را بر پشت گذاشته بودند خیلی غریبانه و اندوهناک به طرف شهر مشهد نگاه می کردند. عمق نگاه حضرت مرا دیوانه کرده بود، چشم های زیبای او با من حرفها می زد....

گفتم: آقا جان تشریف بیاورید داخل شهر (منظورم ظهور آن حضرت بود)

حضرت فرمودند: «من در این شهر غریبم!» گفتم: آقا! قربانتان بشوم، اگر کاری دارید من برای شما انجام دهم.

فرمودند: «ما کارگران زیادی داریم، ولی آنها حق ما را می خورند و اکثراً یک قدم برای ما بر نمی دارند و به یاد ما نیستند!!!» در این لحظه به خود آمدم؛ خود را در خانه دیدم و در فراق آن امام مهربان و غریب بسیار اشک ریختم.^(۱)

این گوشه ای از ندای مظلومیت امام زمان و شکوه آن حضرت از ما شیعیان است که در واقع کارگران آن حضرتیم و به یمن وجود

۱ - ملاقات با امام عصر، ص ۱۰۲ و مطلع الفجر، ص ۲۰۷.

آن حضرت، خدا ما را روزی می دهد، به خاطر او آسمان بر ما باران می بارد، او ولی نعمت ماست و ما بر سر سفره کریمانه آن حضرت نشسته ایم، اما لحظه ای برای آن حضرت اقدامی نمی کنیم. و اما در میان شیعیان، شاید کارگران اصلی و روزی خوران واقعی امام زمان، روحانیون و طلاب علوم دینی باشند که مدال افتخار سربازی، و نوکری و یا کارگری را به گردن انداخته اند، به طوری که اگر از هر طلبه ای سؤال شود شما هدفتان از انتخاب این راه و پوشیدن لباس مقدس علم چیست؟ قطعاً جواب می دهد: خدمت و نوکری امام عصر (ارواحنا فداه).

پس طلاب و روحانیون محترم و به طور کلی کسانی که می توانند به طریقی امام و رهبر خویش را یاری کنند باید مروری دقیق به کارنامه زندگی خود بنمایند و در صورتی که تا به حال نمره خوبی در یاری کردن امام عصر علیه السلام کسب نکرده اند، در طریقه زندگی خود تجدید نظر نمایند تا مورد لطف و رضایت خاص ارباب خود واقع شوند.

۳۰ سال طلبه ام!

شخصی می فرمود: «طلبه ای به من گفت: من سی سال است که طلبه ام. من به او گفتم: چقدر خوب! حالا بگو ببینم در مدت این سی سال چه کرده ای؟ کتابی، نواری، نوشته ای یا چیزی داری که

محصول کارت بوده باشد و ما از آن استفاده کنیم؟

ایشان سرشان را پایین انداخته و سکوت کردند!

البته ما توقع نداریم همه طلاب نویسنده باشند، اما واقعاً خوب است اگر طلبه هستیم از خود پرسیم ما به عنوان سرباز امام زمان برای آن حضرت چه کرده‌ایم؟ آیا می‌شود سی سال سرباز یک پادگان بود و خدمتی نکرد؟!

آیا حداقل یک نفر را با امام زمانمان آشنا کرده‌ایم؟ اگر حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) بیایند و از ما محصول کار بخواهند ما چگونه می‌توانیم پاسخ آن حضرت را بدهیم، اصلاً چه جوابی برای گفتن داریم؟ ما که سرباز آن حضرت هستیم تا چه اندازه مردم را نسبت به وجود مهربان آن حضرت آگاه کرده‌ایم. تا چه اندازه مردم را از گناه و معصیت باز داشته‌ایم و به سوی نور هدایتگر آن عزیز مهربان راهنمایی نموده‌ایم؟ آیا تنها مسلط شدن بر فقه و اصول کافی است یا باید این تسلط علمی وسیله‌ای برای هدایت مردم باشد؟... مگر نه این است که سرباز باید مطیع باشد و نوکر بوی ارباب را بدهد، به راستی ما تا چه اندازه بوی مولای خود را می‌دهیم؟ آیا وجود ما در میان مردم، یادآور مولای ما هست؟... ان شاء الله که این چنین است و اگر کم و کاستی هست به لطف امام عصر علیه السلام بر طرف شود.

فرق خواب و بیدار

از عارفی پرسیدند چگونه بفهمیم در خواب غفلتیم یا نه؟ او جواب داد: اگر برای امام زمانت کاری می‌کنی یا تبلیغی انجام می‌دهی و خلاصه قدمی بر می‌داری و به ظهور آن حضرت کمک می‌کنی بدان که بیداری و آلا اگر مجتهد هم باشی در خواب غفلتی!

فرمایشی از امام خمینی علیه السلام

در اینجا بد نیست سخنی از امام خمینی علیه السلام پیرامون وظیفه طلاب در بحث مهدویت مطرح شود که ایشان می‌فرمودند:

«حفظ اسلام از نماز واجب‌تر است، نگوید بگذار تا امام زمان بیاید، شما آیا نماز را هیچ وقت و ا می‌گذارید تا وقتی امام زمان آمد بخوانید؟ اینجا ننشینید فقط مباحثه کنید، بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید، حقایق را نشر دهید، جزوه بنویسید و منتشر کنید، ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست حالا که منتظر امام زمانیم دیگر بنشینیم در خانه و تسبیح در دست بگیریم و بگوییم «عجل فی فرجه...» با کار شما باید تعجیل شود و شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او.»^(۱)

خدمت به امام زمان علیه السلام

چندی پیش پیرمرد ساده و با صفایی که نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بسیار اظهار عشق و محبت می نمود و در یکی از روستاهای کشورمان زندگی می کرد می گفت:

در سفری که به کربلا رفته بودم، با شخصی برخورد کردم که به من گفت: تو قرائت نمازت درست نیست، تمام اعمال باطل است، اگر مکه هم رفتی چون قرائت نمازت درست نبوده، حج شما باطل است! و با این حرفها حسابی مرا مأیوس و ناراحت کرد. شب در خلوت و تنهایی، حسابی گریه کردم، حتی رفقایم هر چه مرا صدا می زدند که برخیز با هم به زیارت برویم، من نرفتم و با خود گفتم: من که هیچ یک از کارهایم قبول نیست برای چه به زیارت بروم؟! در همین حال که خیلی دلم شکسته بود به خواب رفتم. در عالم رؤیا یکی از امامان معصوم که گویا حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) بودند را بالای حرم سیدالشهداء علیه السلام زیارت کردم، در حالی که آن حضرت مشغول بنایی و اصلاح گنبد مطهر بودند. آن حضرت تا مرا دیدند، صدایم کردند و فرمودند: «بیا، کمک کن» من رفتم و آستین بالا زده و مشغول کار شدم. آن حضرت به من فرمودند: «بخوان!» من هم همین طور که خشتها را به دست حضرت می دادم،

این شعر را می خواندم:

«خشت بده تا نیمه را محکم کنیم دشمن آل نبی را کسم کنیم»
 به هر حال خیلی لذت داشت که من در مقابل چشم اربابم کار می کردم. غروب شد و حضرت به من فرمودند: «بگو کارگران بیایند تا حقوق آنها را بپردازیم» من کارگران را صدا کردم، همه می آمدند و به نوبت حقوق خود را می گرفتند و می رفتند. هنگامی که حضرت حقوق کارگران را عطا می کردند متوجه شدم در مقدار حقوق خیلی فرق می گذارند و به بعضی افراد کم و به بعضی دیگر خیلی زیاد پول می دهند. پرسیدم آقا جان اینها همه که از صبح اینجا بودند، چرا به برخی کمتر و به برخی بیشتر حقوق می دهید؟ حضرت فرمودند: «چون اینها همه یکسان کار نمی کنند خیلی ها در وسط کار خوابشان می برد! بعضی ها که نمی توانند زیاد کار کنند اما از روی اخلاص دست به کار شده اند ما سهم بیشتر و کاملتری به آنها می دهیم ولی به کسانی که می توانند کار کنند ولی خود را به خواب زده اند یا به شکلی از کار فراری اند فقط به اندازه زحمت آنها به ایشان حقوق می دهیم.» بعد حضرت رو به من فرمودند: «ما هر روز اینجا کار داریم و هر روز هم نیاز به کارگر داریم، شما که خالصانه به در خانه ما آمده اید مطمئن باشید اعمالتان قبول است و ما مزد شما را کامل عطا می کنیم!» اینجا بود که از خواب بیدار شدم و فهمیدم که از هر

کس به اندازه توانائی اش انتظاری هست و حضرت مرا مورد لطف خود قرار داده‌اند. (۱)

همه باید به یاری امام زمان خویش بشتابند

نکته قابل توجه ماجرای فوق این است که شیعیان و منتظران امام زمان (ارواحنا فداه) متوجه باشند که امام عصر علیه السلام هر روز منتظر یاری مؤمنین جهان هستند و از اخلاص و عدم اخلاص ما هم با خبر هستند. و مهم‌تر اینکه افرادی هستند که واقعاً می‌توانند برای امام زمانشان فعالیت‌های بزرگی انجام دهند، حال یا موقعیت اجتماعی خوبی دارند و یا سکوئی از سکوه‌های فرهنگی کشور در دست آنهاست و یا بر فراز منبری از منابر تبلیغ‌اند... به هر حال هر کسی در حیظه کاری خود در محضر امام زمان علیه السلام باید مسئول و پاسخ‌گو باشد که امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

«کلکم راع و کلکم مسئول». (۲)

مردم به فکر من نیستند!

یکی از علماء وارسته و برجسته نجف به کربلای معلی مشرف شد. هنگامی که به حرم مطهر امام حسین علیه السلام مشرف شده بود

۱ - مجله صاحب الزمان شماره ۱۵.

۲ - بحار الانوار جلد ۷۲ صفحه ۳۸، صحیح مسلم جلد ۳ صفحه ۲۰ و صحیح بخاری جلد ۲

توفیق پیدا کرد و خدمت امام زمان (ارواحنا فداه) رسید و آن حضرت را ملاقات نمود.

امام زمان علیه السلام به ایشان فرمودند: «ببین حتی این جا که دعا مستجاب است مردم به فکر من نیستند و برای فرجم دعا نمی کنند.» ایشان می گوید: در این هنگام امام عصر (ارواحنا فداه) با یک تصرف ولایتی برای من حالتی پیش آورد که تمام خواسته های قلبی مردم را متوجه شده و می شنیدم و به وضوح می دیدم که مردم برای خودشان دعا می کنند و کسی برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا نمی کند. حضرت به من فرمودند: «شنیدی؟ حتی یک نفر از این زائرین نگفت خدایا فرج حضرت مهدی علیه السلام را برسان.»^(۱)

چرا برای من به جمکران نیامده اند

در چند کتاب، ملاقاتی را از بانویی محترمه نقل کرده اند که در مسجد مقدّس جمکران خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام رسیده است، ایشان می گوید: شب جمعه ای که به مسجد مقدّس جمکران آمده بودم با دیدن جمعیت بسیار زیاد زائرانی که به مسجد مقدّس مشرف شده بودند بسیار خوشحال شده و خدا را شکر می نمودم و با خود می گفتم خدا را شکر، الحمدلله مردم اطراف مولایم

حضرت حجة بن الحسن علیه السلام جمع شده‌اند و به آن حضرت اظهار علاقه می‌کنند، با این خوشحالی وارد مسجد شدم و اعمال مسجد را انجام دادم و زیارت آل یاسین را خواندم و مقداری با امام زمان علیه السلام درد دل کردم و به آن حضرت عرض کردم: آقا خیلی خوشحالم که مردم زیاد به شما علاقه پیدا کرده‌اند و شبها جمعیت زیادی دور مسجد جمع می‌شوند و به شما اظهار علاقه می‌کنند.

سپس از مسجد بیرون آمدم و غذای مختصری از همان غذای مسجد خوردم و برای استراحت به یکی از حجره‌های مسجد رفتم. در آن حال امام زمان (ارواحنا فداه) را ملاقات نمودم که به مسجد مقدس جمکران تشریف آوردند و در میان مردم راه می‌رفتند ولی کسی به آن حضرت توجهی نمی‌کرد. من از اطاقم بیرون دویدم و سلام کردم، آقا با کمال ملاحظت جواب فرمودند. به حضرت عرض کردم: آقا جان قربان خاک پای شما کردم، من خیلی خوشحالم که به لطف خدا مردم به شما علاقه و محبت زیادی پیدا کرده‌اند و این همه جمعیت برای شما به اینجا آمده‌اند.

آن حضرت آهی کشیدند و فرمودند همه اینها برای من به اینجا نیامده‌اند، بیا با هم برویم از آنها سؤال کنیم که چرا به اینجا آمده‌اند. آن حضرت از یک یک مردم سؤال می‌فرمود شما چرا به اینجا آمده‌اید؟ یکی می‌گفت: آقا مریضی دارم که دکترها جوابش

کرده‌اند، دیگری می‌گفت: مستأجرم، آمده‌ام تا از حضرت بخواهم که خانه‌ای به من عطا کند، سومی بدهکار بود، چهارمی از شوهرش می‌نالید و به هر حال هر کسی حاجتی داشت که به خاطر آن حاجت به مسجد آمده بود.

آنگاه حضرت فرمودند: دیدی، اینها برای من به اینجا نیامده‌اند، اینها تازه افراد خوب این جمعیت هستند که به من اعتقاد دارند و حاجتشان را از من می‌خواهند و مرا واسطه فیض می‌دانند و اگر از اینها بگذریم جمع زیادی هستند که تنها برای تفریح به اینجا آمده‌اند، حتی بعضی‌ها به وجود من یقین ندارند!

سپس در همان حال دیدم یک نفر در قسمتی از مسجد نشسته و حس کردم که او از روی محبت به امام زمان علیه السلام به مسجد جمکران آمده است، حضرت فرمودند بیا تا با هم احوال او را هم بپرسیم.

در خدمت آقا نزد آن سید معمم رفتیم، او زانوهایش را در بغل گرفته بود و در گوشه‌ای نشسته بود و چشمش به اطراف می‌گردید، دنبال گمشده‌اش می‌گشت، وقتی چشمش به آقا افتاد از جا پرید، خود را به دست و پای مبارک امام زمان علیه السلام انداخت و گفت: پدر و مادرم و جانم به قربانت یا صاحب الزمان، آقا جان کجا بودید که به انتظارتان نزدیک بود قالب تهی کنم. حضرت دست او را گرفتند و

او به دست آن حضرت بوسه می‌زد و گریه می‌کرد. آقا از او سؤال کردند که شما چرا به اینجا آمده‌اید، او چیزی نگفت و بر شدت گریه‌اش افزود، حضرت دوباره سؤال‌شان را تکرار کردند. او گفت آقا من کی از شما غیر وصل شما را خواسته‌ام؟ من شما را می‌خواهم، بهشتم شما بیدار! دنیا و آخرت من شما بیدار! من یک لحظه ملاقات شما را به ما سوی الله نمی‌دهم.

«جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم

این متاعی است که هر بی‌سرو پایی دارد»

آقا رو به من کرده و فرمودند: مثل این شخص که فقط برای من به اینجا آمده باشند، چند نفری بیشتر نیستند که آنها هم به مقصد می‌رسند. (۱)

البته توضیح این مطلب لازم است که ما هر چه نیاز داشته باشیم و هر درد و مرض و گرفتاری که داشته باشیم می‌توانیم به امام زمان علیه السلام بگوییم و از آن حضرت یاری بخواهیم و این اشکالی ندارد، اما اینکه خود آن حضرت و تنهایی و مظلومیتش را فراموش کنیم خیلی زشت است. علاوه بر آن ما باید یقین کنیم که اگر برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنیم در حقیقت یک دعای کاملی است که همه دعاها را در بر می‌گیرد، زیرا با ظهور امام زمان علیه السلام همه دردها

دوامی شود، حاجتها روا می گردد، مشکلات، فقر و بیچارگی و تمام گرفتاریها برطرف می شود، بنابراین باید همیشه و در همه حال اولین و آخرین حاجت قلبی و نیاز حقیقی ما، درخواست فرج امام زمان علیه السلام و رسیدن به مقام انس با آن حضرت باشد.

از خدا بترسید و ما را مدد کنید

امام زمان (ارواحنا فداه) در یکی از درد دل‌های خود با مرحوم شیخ مفید رحمته الله می فرمایند: «ما بر اساس فرمان خداوند بزرگ و صلاح واقعی خود و شیعیانمان تا زمانی که حکومت دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه‌ای پنهان از دیده‌ها به سر می بریم ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاها و گناهایی که بندگان صالح خدا از آنها دوری می کردند ولی اکثر شما مرتکب آن شدید با خبریم، ما از عهد شکنی‌ها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمان‌ها و (بی‌اعتنایی‌ها) با اطلاعیم که گویی اینها از لغزشهای خود خبر ندارند، (اما با وجود این) ما هرگز در رعایت حال شما کوتاهی نکرده، شما را فراموش نمی کنیم و اگر عنایات و توجهات ما نبود، مصائب و حوادث زندگی شما را در بر می گرفت و دشمنان، شما را

از بین می‌بردند. پس از خدا بترسید و تقوی پیشه کنید و به ما
خاندان رسالت مدد و یاری رسانید.»^(۱)

آواره بیابانها

غیبت امام زمان (ارواحنا فداه) دو آوارگی مهم را در پی داشته
است، یکی آوارگی ما انسانها که از حقیقت دور افتاده و در بیابان
جهل و نادانی خود غوطه‌ور گشته‌ایم. به طوری که امام صادق علیه السلام
می‌فرمایند: «یتیم واقعی کسی است که از امام زمانش جدا شده
باشد.»^(۲) و شاید این بهترین تعبیر برای ما بیچارگان و مستضعفین
آخرالزمان باشد، ما یتیم شده‌ایم، خودمان خواسته‌ایم که یتیم
باشیم، خودمان خواسته‌ایم که امام زمانمان غایب باشد، اگر این
طور نبود دست در دست هم می‌دادیم و زمینه را برای آمدن آن
حضرت فراهم می‌کردیم. یادم می‌آید در مسجدی مدتی بود امام
جماعت آن مسجد به مسجد نمی‌آمد، عده‌ای از ریش سفیدها جمع
شدند و گفتند برویم در خانه حاج آقا و ببینیم نکند مشکلی پیش
آمده، نکند از ما رنجیده شده باشد، همه با هم به در خانه امام
جماعت مسجد رفتند و بعد متوجه شدند که ایشان به خاطر رفتار

۱ - بحار الانوار، جلد ۵۳، ص ۱۷۵، احتجاج جلد ۲ صفحه ۵۹۷.

۲ - مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۲۵۷، از تفسیر امام صفحه ۱۱۴ طبع قدیم.

بعضی مردم که او را آزرده خاطر کرده بودند به مسجد نمی آمده است، و با اینکه ایشان بسیار ناراحت بودند ولی وقتی این اظهار محبت مردم را دیدند، از همان شب دوباره به مسجد آمده و اقامه نماز نمودند.

انصافاً مادر چه خواب عمیقی فرو رفته ایم که اصلاً جای خالی امام زمانمان را حس نمی کنیم، حتی یک بار از خود نمی پرسیم که چرا باید امام زمان ما غایب باشد؟! مگر خدا امام زمان ما را برای غیبت خلق کرده است؟ اینکه اصلاً پذیرفتنی نیست، او امام و پیشوای ماست، چه علتی دارد که رهبر امت دیده نشود؟! آیا این به خاطر بی توجهی و اعمال زشت ما انسانها نیست؟ آری این غفلت ماست که باعث آوارگی و ذلت ما شده است.

تصور کنید اگر یک شخصیت بزرگ و حکیم با معرفتی برای هدایت ما به مجلس ما بیاید و ما مشغول تعریف و خنده و شوخی باشیم و گاهی هم نیم نگاهی به آن شخص بزرگوار نموده و یا نهایتاً سری تکان دهیم، اما آنچنان غرق خنده و بازی و شوخی باشیم که اصلاً به آن بزرگوار فرصت سخن گفتن ندهیم، آیا در شأن آن شخص عالم هست که در مجلس ما باقی بماند. هر عاقلی اگر بخواهد برای چنین مردمی قضاوت کند می گوید سزاوار است که این بزرگوار از مجلس خارج شود و تا موقعی که این مردم شناخت

خود را نسبت به آن شخصیت بزرگوار بالا نبرده و آمادگی پذیرش و معرفت او را پیدا نکرده‌اند دیگر به آن مجلس نیاید.

این دقیقاً حال مصیبت وار ما انسانهاست، خدای مهربان با عظمت، تنها حجت باقی مانده خود را که واسطه بین خالق و مخلوق است در میان ما مردمان فرستاده تا بلکه هدایت شویم و از گمراهی و بدبختی نجات پیدا کنیم، اما ما آنچنان در غفلت و بی توجهی به سر می‌بریم و سرگرم کارهای دنیایی خود شده‌ایم که اصلاً مجالی به آن حضرت نمی‌دهیم تا حقایق را برای ما بیان کند و ما را از کویر جهل و نادانی نجات دهد. بنابراین سزاوار است آن امام کل و آن نور مبین، آن خورشید درخشان و آن حجت یگانه خدا بر روی کره زمین از دیده‌های خواب آلوده ما پنهان شود تا ماکمی به خود آییم و تشنه معارف و حکمت‌های الهی گردیم.

این حیرانی و سرگردانی ما انسانهاست، این یتیمی و آوارگی ماست و این نهایت فقر و بیچارگی ماست که از حضور ظاهری وجه الله و سبب متصل بین زمین و آسمان محروم شده‌ایم.

اما آوارگی دوم آوارگی ظاهری امام زمان (ارواحنا فداه) است. آن امام عزیز، آن امام مهربان، آن کسی که تمام ائمه اطهار علیهم السلام خطاب به او گفته‌اند: «پدر و مادرمان به فدایت یا بقیة الله» و آن وجود مقدسی که تمام انبیاء و اولیاء آرزوی نوکری اش را داشته‌اند،

اکنون آواره بیابانهاست. خود امام زمان (ارواحنا فداه) در این رابطه می فرمایند: «پدرم امام حسن عسکری علیه السلام از من پیمان گرفت که در اماکن دور دست و ناشناس منزل کنم تا خصوصیات زندگی ام برای دشمنان و گمراهان آشکار نگردد و فرمودند: فرزندم بدان که دلهای انسانهای با اخلاص و اهل طاعت پروردگار، مانند پرنده‌هایی که به سرعت به لانه‌هایشان باز می گردند به سوی تو کشیده می شوند و مشتاق دیدار تو می گردند.»^(۱)

او آنچنان غریبانه زندگی می کند که امام علی علیه السلام در رابطه با آن حضرت فرموده‌اند: «صاحب هذا الامر الطريد الشريد الفريد الوحيد»^(۲) یعنی «حجت خدا و صاحب الامر امام زمان (ارواحنا فداه) که رهبر واقعی مردم است مورد بی مهری مردم واقع شده و مجبور می شود خانه و کاشانه را ترک کند و آواره و تنها روزگار را بگذراند.»

همچنین امام عصر علیه السلام در روایتی پیرامون هجرت از شهر سامرا و آغاز زندگی مخفی و غریبانه خود می فرمایند: «اللهم انک تعلم انها احب البقاع لولا الطرد»^(۳) خدایا تو می دانی که اگر مردم ما

۱- کمال الدین صدوق، جلد ۲، ص ۴۴۸.

۲- کمال الدین جلد ۱ صفحه ۳۰۳.

۳- بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۶۶.

را طرد نمی کردند، این سرزمین سامرا برای ما دوست داشتنی ترین مکان‌ها بود.»

انصافاً این چه ظلمی است که ما در حق امام زمان عزیز خود روا داشته‌ایم، آوارگی تمام مردم یک طرف و آوارگی یوسف زهرا علیها السلام یک طرف! به راستی چرا هم خود را آواره و حیران نموده‌ایم و هم بهترین مخلوق خدا را از خود رنجانده و دور نموده‌ایم، به طوری که آن حضرت در یکی از تشرفات در قبرستان وادی السلام نجف فرمودند: «از موقعی که جدّمان را در کربلا شهید کردند (ما عزاداریم و به خاطر این بی معرفتی‌ها) ما آواره بیابان‌ها شده‌ایم.»^(۱)

مصیبت امروز!

آری! آن روز جد بزرگوار امام زمان علیه السلام را در کمال مظلومیت کشتند و دیگر یک روز خوش برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باقی نگذاشتند و امروز هم ما با فراموشکاری خود موجب رنجش قلب نازنین و مبارک آن امام عزیز شده‌ایم. اگر آن روز سنگ بود و شمشیر و آتش، امروز قتل است و دروغ و خیانت! اگر آن روز گودال قتلگاه بود و خون سیدالشهداء علیه السلام مصیبت

امروز بازار رباخوارهاست، مصیبت امروز شهوت پرستی شیطان سیرتان از خدا بی خبر است، مصیبت امروز تهمت زدن و غیبت کردن انسانهای به ظاهر مسلمان است که به راحتی به دیگران و حتی به اولیاء خدا تهمت می زنند، در مسیر حرکت به سوی خدای تعالی، مانع ایجاد می کنند، تزکیه نفس و خودسازی و کمالات روحی را انکار می کنند و هر کس در مسیر پاکی روحش قدم بردارد او را مسخره می کنند و یا به شکل دیگر او را منحرف می کنند.

گودال قتلگاه امروز قلم نویسندگان خودفروخته ای است که برای شیاطین می نویسند و هوای نفس خود را خدای خویش می دانند و هر چه دلشان بپسندد می نگارند، افکار بشری دور از سرچشمه وحی را بر مردم تحمیل می کنند و با فلسفه بافی ها، صوفی گریها و مکتب های ساختگی خود مردم را از صراط مستقیم که همان پیروی محض از قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است گمراه نموده و به نوعی صد عن سبیل الله می کنند. اینها یا واقعاً بی خبرند که بعید به نظر می رسد و یا کاملاً در مقابل حق جبهه گرفته اند. اینها قطعاً مصداق دشمنان دین و معاندین هستند که از لحظه مرگ تا قیامت و پس از آن در عذاب مخلد هستند. دلیلش هم بسیار واضح است، زیرا خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید کسی که یک نفر را بکشد گویا تمام عالم را از بین

برده است،^(۱) ظاهر این آیه در رابطه با قتل بدن است حالا چه رسد که قتل و کشتار روح و فکر مردم در میان باشد. همچنین در رابطه با رباخوار و ربا دهنده فرموده است:

«کسی که ربا می دهد اعلام جنگ با خدای تعالی کند»^(۲) یعنی در حقیقت به جنگ خدا رفته است، در ربا مگر چه اتفاقی می افتد که این همه مورد نهی خدای تعالی واقع شده، معلوم است که در ربا مسأله ضرر رسیدن مالی و اقتصادی به مردم است آن هم شاید زیاد دامنه وسیعی پیدا نکند بلکه یک یا چند نفر خسارت ببینند، وقتی یک خسارت مالی جنگ با خدا شمرده شود، آیا خسارت روحی و فرهنگی که بزرگترین خسارتها می باشد جنگ با خدا نیست؟ کسانی که با افکار بشری خود و بدون تکیه کردن به وحی پروردگار و علم الهی، به راحتی در میان مردم مسلمان نظریه پردازی می کنند آیا از خسارت جبران ناپذیر این حرکت خود نمی ترسند؟ آیا نمی دانند با این کار خود راههای انحرافی در کنار صراط مستقیم دین ایجاد کرده و به عبارت واضح تر بدعتگذار محسوب می شوند؟ چگونه می خواهند جوابگوی این ظلم و عناد خود باشند؟

۱ - سوره مائده آیه ۳۲.

۲ - سوره بقره آیه ۲۷۹.

این مصیبت امروز است، مصیبت امروز ماهواره‌ها، فسادهای اینترنتی و ارتباط جهانی، تجاوز به حقوق دیگران، سیاست‌های حکام جور و استعمارگران و ده‌ها و صدها ظلم و فساد رایج شده در جهان امروز است که باعث گمراهی مردم و مرگ روحی آنان می‌شود و ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) که ظهور خورشید علم و معرفت و دانایی است را به تأخیر می‌اندازد.

بنابراین باید توجه داشته باشیم اینکه فرموده‌اند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» معنایش این است که هر روز عاشورا است و هر روز کربلا است، یعنی ما هم هر روز باید خود را در کربلا و در عاشورا ببینیم، یعنی هر روز باید راه خود را انتخاب کنیم یا به امام حسین علیه السلام لبیک بگوییم و به مقصود آفرینش دست یابیم و یا در آتش جهل و نادانی خود بسوزیم و نابود گردیم.

هر روز میدان جنگ است، جنگ میان انسان و شیطان، انسان و هوای نفس و انسان و هر چه دور از انسانیت است!

و غیبت امام زمان علیه السلام ما نیز به همین دلیل است که هنوز عده‌ای با جدیت کامل پیدا نشده‌اند که هوای نفس خود را کنار بگذارند، نفس خود را تزکیه کنند، از رذائل اخلاقی و بیماریهای روحی پاک شوند و در این میدان جنگ به ندای امام زمان خود لبیک گفته و با شیاطین بیعت نکنند، همین‌ها باعث تأخیر ظهور آن حضرت شده

و این آوارگی‌ها و سرگردانی‌ها را برایمان به دنبال داشته است. مائیم و این بیابان آشوب زده، مائیم و میدان جنگ، مائیم و یک راه نا تمام، مائیم و صدای مظلومیت امام زمان علیه السلام که هر لحظه از ما طلب یاری می‌کند، مائیم و درد دل یگانه مظلوم عالم حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه)...

این کارها مرا رنج می‌دهد

امام عصر ارواحنا فداه در برخی تشرفات از فساد، فحشا و ابتذال رایج در جامعه و بدحجابی زنان مسلمان شکوه نموده و فرموده بودند: «این کارها مرا رنج می‌دهد و من از شما می‌خواهم که جلوی این کارها را بگیرید (و با جلوگیری از فسادها زمینه را برای ظهور فراهم آورید).»

این مربوط به زمان ماست و امام زمان ماست که از ما شکوه می‌کند، ما که خود را شیعه آن حضرت می‌دانیم و مملکت ما مملکت اسلامی است، بلکه اکنون نقطه عطفی برای جهان اسلام است و اکنون تمام دنیا، ایران را به عنوان یک پایگاه اصلی اسلامی می‌شناسند چرا باید باعث رنجش حضرت مهدی (ارواحنا فداه) گردیم؟!

اگر امام زمان (ارواحنا فداه) در زمان رژیم ستم شاهی پهلوی

در یکی از ملاقاتها فرموده بودند «دو چیز کمر مرا شکسته، یکی بی حجابی خانم‌ها و دیگری وضعیت فرهنگی مدارس». شاید زیاد باعث تأسف نبود. اما اکنون که خدا به ما این لطف را نموده است که ناممان به عنوان پرچمدار تشیع در جهان بلند شده است چرا باید امام و مولای خود را برنجانیم. آیا فرستادن دختر دانشجو از این شهر به یک شهر دیگر یا اختلاط دختر و پسر در دانشگاه‌ها و امثال آن، مورد رضایت امام زمان علیه السلام است؟! در حالی که بسیاری از مراجع تقلید این اختلاط را در مدارس و دانشگاه‌ها جایز نمی‌دانند.^(۱) مگر امام زمان (ارواحنا فداه) نفرمودند: «ایران شیعه خانه ماست و ما از آن محافظت می‌کنیم»؟ پس چرا در عمل پیرو آن حضرت نیستیم؟ مگر آن حضرت در طول چند سال اخیر لحظه به لحظه ما را یاری نکرده و از مکر و خدعه دشمنان حفظمان ننموده‌اند؟ آیا چگونگی پیروزی انقلاب را فراموش کرده‌ایم، آیا پیروزی جنگ تحمیلی در مقابل رژیم بعث عراق را فراموش کرده‌ایم که همه ابرقدرتهای جهان در مقابل ما صف کشیده بودند و ما هیچ سلاح و نیروئی نداشتیم جز یاری و نظر لطف و عنایت امام

۱ - مسائل متفرقه مراجع از جمله توضیح المسائل مرحوم آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی (رحمة الله علیه) صفحه ۴۹۳ و رساله حضرت آیت الله صافی گلپایگانی (مدظله) صفحه ۵۹۲.

زمان (ارواحنا فداه)؟

آیا معجزه الهی و دست یاری آن حضرت را در طوفان طبس که
به شکست دشمنان منجر شد، فراموش کرده ایم؟

آیا فراموش کرده ایم که هر چه داریم به لطف امام زمان بوده و
اکنون نیز زیر سایه آن حضرت از حيله دشمنان اسلام در امانیم؟

آیا این مزد الطاف بی پایان فرزند رسول خداست؟

آیا این مزد شهیدان عاشق سر از تن جداست؟

به کجا می رویم و به دنبال چه می گردیم؟ چرا به این زودی
همه چیز را فراموش کردیم؟ جا دارد که مقام معظم رهبری (مد
ظله) بفرمایند: «دانشمندان فسیل انسانهایی را که هزار سال و بیشتر
در زیر خاک مانده به عنوان یک چیز گرانبها از زیر خاک بیرون
می آورند و محافظت می کنند، ما که چند سالی بیشتر از جنگ و از
انقلابمان گذشته، پس چرا باید آرمانهای امام و شهداء را فراموش
کنیم؟!»

به راستی این همه غفلت و فراموشی برای چیست؟...

شما را به خدا قسم بیائید اگر یار امام زمان نیستیم، دست کم
باعث ناراحتی و تأخیر ظهور آن حضرت نشویم...

باید که تشنه‌گردی از بهر دیدن ما

مرحوم حاج محمد علی فشندی تهرانی که مکرر به خدمت امام زمان (ارواحنا فداه) رسیده‌اند در یکی از تشرفات خود که در مسجد جمکران به خدمت امام زمان علیه السلام رسیده‌اند نقل می‌کنند:

در حیاط مسجد مقدس جمکران مشغول دعا و مناجات و توسل به محضر حضرت بقیة الله (روحی فداه) بودم که ناگهان سیدی با عظمت را دیدم، با خود گفتم این سید از راه رسیده و شاید تشنه باشد، به طرف او رفتم و لیوان آبی که در دستم بود به ایشان دادم. وقتی لیوان را به ایشان دادم از او خواستم برای فرج امام زمان علیه السلام دعا بفرمایند.

ایشان پس از نوشیدن آب، لیوان را به من پس داده و فرمودند: «شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند، اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد.» تا این را فرمودند من نگاه کردم دیدم آن حضرت نیستند و هر چه به اطراف نگاه کردم اثری از ایشان ندیدم که ناگاه متوجه شدم امام زمان (ارواحنا فداه) را ملاقات نموده‌ام.^(۱)

ای شیعیان، ای دوستان امام زمان علیه السلام، ای علماء، ای

منتظران ظهور و ای کسانی که خود را به آن حضرت نزدیکتر می‌دانید، آیا این ندای مظلومیت امام زمان شما نیست که این طور مظلومانه قدر و منزلت و نیاز به وجود مقدس خود را به نیازمندی یک لیوان آب تشبیه نموده‌اند و بار دیگر به تمام دوستان خود پیغام داده‌اند که کلید فرج ما به حرکت شما و به دعای شماست، پس اگر واقعاً چنین است و به راستی اگر ما خودمان می‌توانیم از همه رنجها و عقب افتادگی‌های زمان تاریک غیبت خود را نجات دهیم، پس چرا کاری نمی‌کنیم و چرا برای ظهور آن حضرت قدمی بر نمی‌داریم!!!

باید که تشنه گردی از بهر دیدن ما

ای مدعی به پاخیز هنگامه قیام است

روزی بادل شکسته به امام زمان عزیزم عرض کردم:

تا به کی در فراق تو سوزم

چشم خود را به راه تو دوزم

بلافاصله این شعر به دلم الهام شد که:

تا زمانی که دل زنده سازی

وز عطش بر من آکنده سازی

من شما را مؤاخذه می‌کنم

از یکی از شیفتگان امام عصر (روحی فداه) نقل شده که ایشان می‌فرمود: یک بار که توفیق پیدا کردم آقا امام زمان (ارواحنا فداه) را ملاقات نمایم، حضرت سرشان را روی شانه من گذاشتند و آن قدر گریه کردند که لباس من تر شد، من هم همراه آن حضرت گریه می‌کردم و نزدیک بود از غصه جان از بدنم خارج شود. آن حضرت در حالی که گریه می‌نمودند و از دست دوستان بی تقوای خود اشک می‌ریختند، فرمودند: اینها به من اظهار محبت می‌کنند ولی گناه هم می‌کنند! اظهار دوستی می‌کنند ولی غیبت هم می‌کنند، تهمت هم می‌زنند و دیگران را به بدی وامی‌دارند، اظهار دوستی با من می‌کنند ولی با خدا مخالفت می‌کنند! به خدا قسم اینها را مؤاخذه می‌کنم چون بدی از هر کس بد است، اما از کسی که خودش را دوست ما معرفی می‌کند خیلی بدتر است. اینجا بود که فهمیدم امام زمانم چقدر مظلوم است.^(۱)

میان دشمنان آقا غریب است چرا در دوستان کس فکر او نیست!؟

من همیشه با شما هستم

دوست عزیز و بزرگوارم جناب حجة الاسلام و المسلمین گنجی (حفظه الله) نقل می فرمود که یکی از اولیاء خدا فرمودند: من با توجه به این حقیقت که اباالفضل العباس الگوی وفاداری و خوار نمودن نفس و جوانمردی و ایثار است به ساحت مقدس امام زمان (ارواحنا فداء) متوسل شدم و از ایشان تقاضا نمودم همانگونه که حضرت عباس علیه السلام در کنار امام زمانش بودند، من هم همیشه در کنار شما باشم.

در عالم مکاشفه دیدم حضرت ولی عصر علیه السلام در مکانی مثل وسط دنیا ایستاده اند و بر تمام عالم و حالات همه مردم، احاطه و تسلط کامل دارند، به همان سادگی که انسان به انگشتی که در دست دارد، احاطه کامل دارد.

در آن حال معنای قطب عالم امکان برایم روشن شد، ایشان بر تمام مردم و اعمالشان نظاره داشتند و من خودم را در کنار آن حضرت دیدم که ایستاده ام، دست به دامن ایشان شدم و خواهش کردم که همیشه در کنارشان باشم و به هیچ عنوان از من جدا نشوند. حضرت در مقابل این تقاضای من فرمودند: من همیشه در این مکان (مرکز فرماندهی عالم) ایستاده ام، این شماها هستید که با

انجام هر عملی که ما از شما نمی‌پسندیم، یک قدم از ما دور می‌شوید. (۱)

بعد از فرمایش آن حضرت، من نگاهی به اطراف آن مکان کردم دیدم مردم دنیا هر کدام سرشان به کار خودشان گرم است، فردی را دیدم که پشت به حضرت، مشغول خاکبازی بود، دیگری به صورتی دیگر سرگرم کار خودش بود و همین طور یک یک افراد هر کدام به طریقی آنچنان سرگرم بودند که اصلاً متوجه حضور آن حضرت در آنجا نبودند. انگار نه انگار که قلب عالم امکان آنجا هستند و به آنها نگاه می‌کنند!

از حالت مکاشفه به خود آمدم، یقین کردم که امام زمان علیه السلام از ما دور نیستند و از اعمال ما غافل نمی‌شوند، در واقع باید گفت ایشان از ما غایب نیستند بلکه ما از ایشان دوریم و در غفلت به سر می‌بریم...

خدایا مرا به که وامی گذاری؟

یکی از اولیاء خدا می‌فرمودند: در ماه ذی الحجّة الحرام سال ۱۴۱۴ هجری قمری که برای مراسم حج به مکه مشرف شده بودم، در هنگام طواف بیت الله الحرام به ناگاه و به طور اتفاقی متوجه شدم

۱ - شبیه این عبارت در توفیق شیخ مفید، کلمه الامام المهدی، ص ۱۴۵.

پشت سر حضرت بقیة اللّٰه (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) قرار گرفته‌ام و شنیدم که آن حضرت این جمله را که حاکی از مظلومیت و اضطرار بود با خدای خود مناجات نموده و می‌فرمودند:

«الهی و ربی من لی غیرک اسئله کشف ضری و النظر فی

امری»

ای خدای من، ای محبوبم و ای پرورش دهنده‌ام! من چه کسی را دارم که از او بخواهم غربت و مشکلم برطرف شود و چه کسی را دارم که امر ظهورم را اصلاح فرماید؟

آری! این امام زمان مهربان ماست که غربت ما را غربت خود می‌داند و شب و روز در انتظار آن است که ما را از تاریکی به نور بکشاند و اوست که همه ساله معمولاً در روز عرفه می‌فرماید:

«الهی الی من تکلنی الی قریب فیقطعنی ام الی بعید فیجہمی ام الی المستضعفین لی و أنت ربی و ملیک امری، أشکوا الیک غربتی و بُعد ذاری...»^(۱)

خدایا مرا به که و او می‌گذاری به نزدیکان (و شیعیانم) که از من جدا شده و در غفلت‌اند یا به بیگانگان که با من با خشونت و نفرت مقابله کنند یا به مستضعفین در حالی که تو پروردگار و مالک امر من هستی. خدایا به تو از غربت و آوارگی‌ام شکایت می‌کنم.

در اوج مظلومیت

یکی از مراجع تقلید و علمای ربانی می فرمود: امام عصر علیه السلام در یکی از تشرفات فرموده بودند:

«اگر شما به اندازه‌ای که برای پیدا کردن گمشده خود جستجو می‌کنید به دنبال من می‌گشتید، مرا می‌یافتید!»^(۱)

انصافاً هر شیعه‌ای که محبت امام زمانش در دلش جای گرفته اگر این کلام را بشنود و از ناراحتی جان دهد، جا دارد.

مظلومیت به کجا رسیده و غریبی تا چه حد پیش رفته که بهترین مخلوق خدا و جانشین خدا در روی کره زمین و بلکه پیشوای تمام عالم امکان با این مثال بخواهند مظلومیت خود را به مردم نشان دهند و بگویند که حداقل این اندازه به فکر ما باشید. به راستی ما که دم از امام زمان علیه السلام می‌زنیم و خود را شیعه آن حضرت می‌دانیم چقدر به یاد حضرت هستیم و تا به حال چه کاری برای آن حضرت کرده‌ایم؟

اصلاً آیا تا به حال به دنبال امام زمانمان گشته‌ایم؟ آیا سراغی از آن حضرت گرفته‌ایم؟! ... خدا رحمت کند مرحوم سید بن طاووس را که در این رابطه فرموده‌اند: «مکرر دیده‌ام که مردم اگر پولی یا

۱ - ندای صاحب الزمان علیه السلام، به نقل از راهی به سوی نور صفحه ۱۷۹.

اسبی یا چیزی گم کنند تمام وجودشان متوجه آن چیز می شود و برای پیدا کردنش تا آنجا که می توانند تلاش می کنند، اما برای تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام و عقب افتادن اصلاح اسلام و ایمان و مسلمین و قطع ریشه کفار و ظالمین کاری نمی کنند و دنبال امام زمانشان نمی گردند...»^(۱)

تهمت‌هایی که به امام زمان علیه السلام می زنند

یکی دیگر از دردها و مصیبت‌های امام زمان (ارواحنا فداه) حرفهای نادرست و غلطی است که دشمنان یا دوستان نادان آن حضرت به آن بزرگوار نسبت می دهند و ایشان را از خود می رنجانند و باعث تأخیر ظهور آن حضرت می گردند. به عنوان مثال برخی می گویند: آن حضرت حالا حالاها ظهور نمی کند!

برخی می گویند: اگر ظهور کند گردن همه را می زند!
برخی می گویند: دعا کن که آقا نیاید که اگر بیاید اول گردن من و تو را می زند!

عده‌ای می گویند: وقتی بیاید خون رکاب اسبش را می گیرد و هفتاد آسیاب از خون مردم به گردش درمی آید!

عده‌ای می‌گویند: غیبت امام زمان تقدیر خداوند است، خدا خواسته که آن حضرت غایب باشد و هر موقع هم خودش بخواهد به او امر می‌کند که ظهور کند، پس دعای ما برای ظهور آن حضرت فایده‌ای ندارد!

برخی می‌گویند: او هنوز متولد نشده و در آینده به دنیا می‌آید! برخی دیگر می‌گویند: او ظهور کرده و از دنیا رفته است.^(۱)

عده‌ای هم که اصلاً توجهی به آن حضرت ندارند و عده‌ای هم که اصلاً به اصل وجود آن حضرت مشکوک هستند... و اما تأسف ما به خاطر این است که این حرفها را کفار و دشمنان اسلام نگفته‌اند، بلکه اینها بیشتر سخنان و نظریات غلط برخی از مسلمانان است که بدون هیچ دلیل و مدرکی به زبان جاری می‌کنند و باعث ناراحتی آن حضرت می‌شوند. امام زمانی را که همچون سایر ائمه اطهار علیهم السلام بعد از خدا مهربانترین مهربانان است، به صفت خونریزی، قتل و خشونت بی‌حد و حساب متهم می‌کنند. هنوز امام زمانی را که تمام ادیان و فرقه‌ها در اصل وجودش شکی ندارند را باور نکرده‌اند، امام زمانی را که صدها و بلکه هزاران نفر در طول غیبت کبری، آن حضرت را در بیداری مکرر ملاقات کرده‌اند، همچون افسانه پیشینیان می‌پندارند و به او تهمت می‌زنند که در زمان غیبت

۱- این نظریه فرقه ضالّه بهائیت است.

نمی‌توان آن حضرت را ملاقات کرد! این درد نیز یکی از دردهای بزرگ و بلکه از بزرگترین دردهای حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) است که آن حضرت را آزار می‌دهد و کار را به جایی می‌رساند که آن حضرت می‌فرمایند: «من مظلوم‌ترین فرد عالم هستم!»

صاحب کتاب راهی به سوی نور در رابطه با این درد هنگفت قضیه‌ای را از یکی از دوستان خوب امام زمان (ارواحنا فداه) نقل کرده که ایشان فرمود:

روزی با یکی از افراد که به صورت ظاهر چهره مقدس مآبانه داشت درباره ظهور امام زمان علیه السلام صحبت می‌کردیم، از جمله من به ایشان می‌گفتم ما باید مردم را به یاد امام زمان علیه السلام بیندازیم و برای فرج آن حضرت دعا کنیم.

او دست خود را روی گلویش نهاد و گفت: دعا کنیم که امام زمان بیاید و سر ما را بزند؟ (العیاذ بالله)

من خیلی دلم شکست و بغض گلویم را گرفت و با حال گریه به منزل رفتم و در مظلومیت امام زمان علیه السلام اشک زیادی ریختم و حتی غذا هم نتوانستم بخورم. تا آنکه در عالم مکاشفه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را در حالی که محزون بودند دیدم، در همان حال آن حضرت سه مرتبه (درباره همان جمله که آن شخص گفته

بود) فرمودند: «تهمت می زنند، تهمت می زنند، تهمت می زنند!»^(۱)

این چه بی معرفتی است که به امام زمان عزیزمان هم تهمت بزنیم؟ مگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در حدیث معتبر و شریف لوح از خدای تعالی نقل فرموده که خدای حکیم لقب «رحمة للعالمین» را به امام عصر علیه السلام داده است؟ مگر «رحمة للعالمین» به معنای مهربانی برای تمام عالمیان نیست؟ این چه خرافات و چه حرف زشتی است که ما به امام معصوم خود نسبت می دهیم؟ اگر ما پیرو اهل بیت عصمت و طهارتیم نباید حرفی را که آنها نمی پسندند به زبان جاری کنیم بلکه باید اگر چیزی را یقین داریم که آنها فرموده اند بیان کنیم و چیزی را که شک داریم و با سیره آن بزرگواران سازگاری ندارد مطرح نکنیم.

تو دیگر چرا؟

یکی از مسائلی که باعث ناراحتی امام عصر (ارواحنا فداه) شده است این است که عده ای چون توفیق تشریف به خدمت امام زمان (ارواحنا فداه) را نداشته اند، امکان ملاقات و دیدار با آن حضرت را در دوران غیبت رد نموده و انکار می کنند، در صورتی که صدها و بلکه هزاران نفر در دوران غیبت کبری خدمت آن

حضرت رسیده و آن امام عزیز را در حال بیداری زیارت کرده‌اند. چقدر زشت است انسان در مسائلی که واضح و روشن است مجادله کند و چقدر قبیح است در محضر یک شخصیت بزرگ، در مورد بودن یا نبودن، دیده شدن یا دیده نشدن آن شخص سخن گفته شود! امام زمان علیه السلام حقیقتی است که باید گفت: «عمیت عین لا تراک» کور باد چشمی که تو را یا به صورت ظاهری و یا به صورت باطنی مشاهده نکند. امام زمان علیه السلام وجود مقدسی است که اگر خیلی‌ها ظاهراً نتوانند آن حضرت را ببینند، از صدها دیدن بهتر او را حس می‌کنند. او در متن زندگی ما حضور دارد، مگر می‌شود او را ندید؟ اما گذشته از دیدار باطنی چه دلیلی دارد انسانی در همین بدن مادی ما زندگی کند ولی به صورت ظاهری دیده نشود؟

به هر حال امام زمان علیه السلام از این موضوع که خیلی‌ها به آن حضرت تهمت دیده نشدن را زده‌اند بسیار ناراحت هستند. در این رابطه یکی از دوستان و ارادتمندان حضرت بقیه‌الله علیه السلام که از روحانیون بزرگوار می‌باشند می‌گفت:

سال ۱۳۶۴ بود، به منظور خدمت دوران سربازی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام شدم. شب‌ها با دوستان هم رزم دور هم می‌نشستیم و از هر جا سخنی به میان می‌آمد... یک شب که مهتابی‌تر از همیشه بود، صحبت از امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام در جبهه‌ها

شد، دوستی گفت من کسی را می شناسم که به محضر امام زمان علیه السلام رسیده است. من در جواب گفتم: محال است کسی در دوران غیبت خدمت آن حضرت برسد، چون خود ایشان فرموده اند: هر کس ادعای مشاهده کرد او را تکذیب کنید، که کذاب است و دلائل دیگری آوردم که آنها را قانع کردم. اما خود را نتوانستم قانع کنم! دلم گواهی می داد که می شود و امکان دارد، وگرنه این امدادهایی که مدام در جبهه ها اتفاق می افتد، این ملاقات هایی که در مفاتیح و کتاب های زیادی از علماء که مورد وثوق هستند آمده است، پس اینها چه می شود؟

خلاصه دلم آرام نمی گرفت، توسلی به ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) کردم و از خود ایشان خواستم که مرا از این سر در گمی نجات دهند.

همان شب در عالم رؤیا دیدم که در منطقه (همان جایی که بودم) تمام مردم برای استقبال از کسی صف کشیده اند، پرسیدم چه خبر است؟ گفتند حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) می خواهند تشریف بیاورند. چشم به راه انداختم، دیدم گرد و خاک سواری در راه است، خود را به صف اول رساندم، آن سواران نیز رسیدند، پیشاپیش آنها شخصیتی با عظمت، زیبا و مهربان، سوار بر اسب سفیدی بود. در سمت راست ایشان پیرمردی با وقار و در دو طرف

جوانانی خوش سیما، سوار بر اسب، کمر به خدمت بسته بودند.
 من ابتدا فکر کردم ایشان حضرت امام حسین علیه السلام و آن
 پیرمرد، حبیب بن مظاهر است. اما بعد متوجه شدم که آن آقای
 بزرگوار، حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) و آن پیرمرد
 حضرت خضر علیه السلام هستند. من اولین کسی بودم که به آقا خوش آمد
 گفتم و رکاب اسب ایشان را بوسیدم. وقتی سرم را بلند کردم و آن
 جمال دلربا را دیدم از خود بی خود شدم.
 عرض ادب کردم و محو تماشای آن چشم‌ها، آن چهره و آن
 خال زیبا شدم، تمام این حالات سریع گذشت، اما برای من به دوام
 ابدیت بود.

همین که به آن چشم‌های زیبا نظر انداختم، نگاه به نگاهم
 انداختند و فرمودند: «تو دیگر چرا؟» چهره آقا غمگین بود، مثل
 کسی که با نگاه، دلداده‌اش را ملامت می‌کند؛ منتظر جواب بود،
 عرق شرم به پیشانی‌ام نشست، سر به زیر افکندم و با سکوت
 وانمود کردم که متوجه فرمایش ایشان نشده‌ام.

فرمودند: «مگر تو الآن مرا نمی‌بینی؟»

عرض کردم: بله آقا جان!

حضرت فرمودند: «پس چرا دیشب که از تشریف من گفتند، تو

با دلیل آن را انکار می‌کردی؟! من وجود دارم، من در بین شما

هستم، فقط شما مرا نمی شناسید.»

آنگاه فرمودند: «درست است، این مطلب از خود ما است که هر کس ادعای مشاهده کرد، تکذیبش کنید، اما منظور کسی است که مثل نواب اربعه، ادعای ارتباط دو طرفه داشته باشد، این چنین کسی کذاب است^(۱) و آن نواب محترم در غیبت صغری وسیله ارتباطی ما با شیعیان بودند، ولی الآن زمان غیبت کبری است و شما هم نباید کلام ما را تحریف کنید!»

من از آن وجود نازنین طلب بخشش نمودم و در حالی که پای مقدس ایشان را می بوسیدم، از خواب بیدار شدم، فردا صبح خوابم را تعریف و از دوست عزیزم که ملاقات تشریف کنندگان را برای ما نقل کرده بود عذر خواهی کردم و اشک چشمم نشان توبه و بازگشت من از آن فکر تاریک بود.^(۲)

بنابراین باید توجه داشت که امام زمان (ارواحنا فداه) در زمان غیبت کبری نیز دیده می شوند، اما نه به صورت ارتباط دائمی یا رابطه دو طرفه بلکه هر موقع و برای هر کس که خود آن حضرت صلاح بدانند چهره نمایان نموده و شیفتگان دیدار خویش را به

۱- بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۵۱ و جلد ۵۳ صفحه ۳۱۸.

۲- روح شهید صفحه ۱۳۹.

فیض ملاقات می‌رسانند^(۱)، به همین جهت کسانی که این مسأله را مردود می‌دانند یکی از مهم‌ترین دلائل وجودی حضرت را باطل می‌کنند و این باعث رنجش قلبی امام زمان علیه السلام شده و خیانت به آن حضرت است. لذا یکی از چیزهایی که دوستان امام عصر (ارواح‌ناده) می‌توانند از آن برای بیدار نمودن مردم و هدایت آنها به سوی محبت و اطاعت امام زمان علیه السلام استفاده کنند همین نقل تشرفات و ملاقات‌ها می‌باشد. البته باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که آنچه بیشتر از همه حائز اهمیت است ارتباط روحی و سنخیت اخلاقی داشتن با امام زمان ارواح‌ناده می‌باشد یعنی دوستان و شیعیان واقعی آن حضرت کسانی هستند که با خودسازی و پاکی روح خویش صاحب اخلاق نیکو و رفتار شایسته شده و با این کار قلب امام زمان خویش را از خود خوشحال می‌کنند.

فرج من فرج شماست

یکی از چیزهایی که باعث ناراحتی امام عصر (ارواح‌ناده) می‌شود این است که مردم برای ظهور آن حضرت دعا نمی‌کنند و هنوز باور نکرده‌اند که ظهور امام زمان علیه السلام در حقیقت ظهور نور

۱- امام زمان علیه السلام به حاج محمد باکویی فرمودند: «هر کس از شیعیان ما به وظیفه خود

خوب عمل کند ما (اگر صلاح بدانیم) به آنها سر می‌زنیم.»

خداست، ظهور پاکی هاست، ظهور علم و معرفت و حکمت است و بالاخره ظهور تمام خوبیها و زیبایی هاست. یعنی اگر امام عصر علیه السلام ظهور نمایند تمام مشکلات برطرف می شود، دردها دوا می گردد، حاجات برآورده می شود، همه ثروتمند می شوند، عدالت در جهان برقرار می گردد و با پیاده شدن احکام خدا در روی کره زمین، صلح و دوستی در تمام دنیا برپا می گردد.

با توجه به این معنا، امام زمان (ارواحنا فداه) در خیلی از ملاقاتها و تشرفات به این موضوع حساس و مهم اشاره نموده و ما را به دعا کردن برای فرج امر نموده اند. البته روایات فراوانی هم از سایر ائمه اطهار علیهم السلام در این رابطه وارد شده و به ما رسیده است که در مجموع همه ائمه اطهار علیهم السلام ما را به دعا نمودن برای فرج و انتظار فرج امر نموده اند، و عملاً این را به ما آموخته اند از جمله دعای ندبه امام صادق علیه السلام که خود دانشگاهی برای کسب معرفت است و دعاهای فراوان دیگری که اکنون نمی شود نام تک تک آنها را برد. اما اجمالاً باید بدانیم که یک سفارش مهم ائمه اطهار و امام زمان علیه السلام در موضوع مهدویت، همان دعا نمودن و درخواست اجتماعی ماست تا آنجا که امام زمان علیه السلام در یکی از توقیعات خود فرموده اند:

«واكثرُوا الدعا بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم»^(۱) برای هر چه زودتر فرا رسیدن ظهور ما بسیار دعا کنید که این فرج خود شماست.

همچنین امام زمان ارواحنا فداه فرموده‌اند: این دعا را زیاد بخوانید (اللهم ادخل علی اهل القبور السرور، اللهم اغن کل فقیر... تا آخر دعا) آنگاه فرمودند: «جدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده است این دعا را در ماه رمضان بخوانند برای این است که استجابت این دعا صددرصد در زمان ظهور خواهد بود و در حقیقت این دعایی است که برای ظهور و فرج ما خوانده می‌شود. زیرا در زمان قبل از ظهور غیر ممکن است که به کلی فقر، گرسنگی، کرب و ناراحتی از میان تمام مردم جهان برداشته شود، هیچ اسیری در عالم نباشد و تمام امور مسلمانان اصلاح شود و بالاخره غیر ممکن است که قبل از ظهور حال و روحیات همه مردم تغییر کرده و به صفات الهی تبدیل شود و همه متخلق به اخلاق پروردگار گردند و دیون همه ادا شود و فقر و فاقه در عالم جای خود را به ثروت و مکنّت دهد.»^(۲)

بنابراین اگر این دعا بخواند مستجاب شود باید قبل از آن، ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) واقع شود و لذا آن حضرت

۱ - بحار الانوار، جلد ۵۳، ص ۱۸۳، کمال الدین جلد ۲ صفحه ۴۸۵.

۲ - ملاقات با امام زمان علیه السلام جلد ۱ صفحه ۲۸۶.

فرمودند که: «به شیعیان ما بگوئید این دعا را که در حقیقت دعا برای ظهور ما است زیاد بخوانند.»

ضمناً تذکر این نکته لازم است که این دعا اختصاص به ماه مبارک رمضان ندارد بلکه در همه ماه‌ها و روزهای سال می‌شود این دعا را به نیت دعای فرج امام عصر علیه السلام خواند.

اهمیت دعای فرج

فضل بن ابی قره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«... هنگامی که عذاب بر بنی اسرائیل طول کشید و قرار بود این عذاب چهار صد سال ادامه داشته باشد فقط چهل روز با حالت اضطراب در درگاه خدا ضجّه و گریه کردند. در اینجا خدای تعالی به موسی و هارون وحی فرستاد که آنان را از فرعون رهایی می‌بخشد و صد و هفتاد سال از کل مدّت چهار صد سال را کم کرد. شما شیعیان هم همین طور هستید که اگر این کار را بکنید (یعنی در درگاه الهی ضجّه و ناله و دعا کنید) حتماً خدا فرج ما را می‌رساند، اما اگر این کار را نکنید، غیبت (حضرت بقیة الله علیه السلام) تا آخرین زمان ممکن به طول می‌انجامد.»^(۱)

برای فرج خدا را به عمه ام زینب قسم دهید

حضرت آیه الله حاج میرزا احمد سیبویه از آقا شیخ حسین سامرائی که از اتقیاء اهل منبر در عراق بودند نقل فرمودند:

در ایامی که در سامرا مشرف بودم عصر روز جمعهای به سرداب مقدس رفتم، دیدم غیر از من احدی نیست و من حال خوبی پیدا کرده‌ام. در همان حال، متوجه مقام صاحب الامر علیه السلام شدم و صدایی از پشت سر شنیدم که آن حضرت به من فرمودند: «به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را قسم دهند به حق عمه ام حضرت زینب علیها السلام که فرج مرا نزدیک گرداند.»^(۱)

همچنین مرحوم آیه الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم از یکی از برادران صالح نقل می‌کند که امام عصر (ارواحنا فداه) به ایشان فرموده بودند: «من برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سید الشهداء علیه السلام در مجالس عزاداری برای من دعا کند، دعا می‌کنم.»^(۲)

۱- ملاقات با امام عصر علیه السلام، ص ۱۰۰ و شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام.

۲- مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۴۶.

شما هم برای فرج من دعا کنید

امام زمان علیه السلام در مراسم اطعامی که به نام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در مسجد سیده نرجس علیها السلام لبنان برگزار شده بود در نامه‌ای که به صورت اعجاز آمیزی در صندوق مسجد گذاشته بودند چنین مرقوم فرمودند:

«انا المهدي المنتظر، اقامت الصلوة فی مسجدکم و اکلت من ما اکلتم و دعوت لکم فادعوا لی بالفرج»^(۱)

من مهدی منتظر هستم، در مسجد شما نماز را برپا داشتم و از آنچه شما خوردید من هم خوردم و برای شما دعا کردم، شما هم برای فرج من دعا کنید.

دعای فرج را بخوانید

امام زمان (ارواحنا فداه) به یکی از دوستان خود که از آن حضرت پرسیده بود: آقا جان! قربانتان بشوم، چرا با اینکه ما این همه دعای فرج را می‌خوانیم شما نمی‌آیید، فرمودند: «شما که دعای فرج را نمی‌خوانید! شما دعای سلامتی من را می‌خوانید (یعنی دعای اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...) شما باید دعای الهی

عظم البلاء را زیاد بخوانید. همچنین سید بن طاووس رحمته الله از ابو جعفر محمد بن هارون بن موسی تلکبری روایت می‌کند که امام عصر ارواحنا فداه به ابوالحسن بن ابی البغل کاتب فرمودند: «ای ابوالحسن بن ابی البغل! چرا دعای فرج را نمی‌خوانی؟»^(۱)

دعای فرج دعایی است که در آن نهایت در ماندگی و گرفتاری شخص منتظر بیان شده و حضرت بقیة الله علیه السلام آن را به محمد بن ابی لیث که از ترس کشته شدن به حرم امام موسی بن جعفر علیه السلام پناه برده بود،^(۲) آموخته‌اند.

در اینجا قضیه‌ای زیبا پیرامون این دعای مأثور از زبان دوست عزیزم حجت الاسلام و المسلمین معصوم علی قنبری (دام عزه) نقل می‌کنم تا شاید ما به این دعا بیشتر اهمیت داده و آن را با توجه بیشتری بخوانیم.

ملاقات روحی و ارتباط واقعی در دعای فرج

انسانی که می‌خواهد با محبوب دلها و آن وجود مقدسی که احاطه بر تمام عالم هستی دارد و نام و یاد و ذکرش شیرین است

۱ - امام زمان و سید بن طاووس صفحه ۲۳۸، نجم الثاقب صفحه ۴۸۰ (این دعا با دعای الهی عظم البلاء مشهور تفاوتی دارد).

۲ - بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۱۱۹ و کلمة الامام المهدي علیه السلام صفحه ۲۹۵.

یعنی امام زمان (ارواح‌نفاذ) ارتباط برقرار کند باید با ایمان کامل و صداقت و دلی پر از عشق و محبت به طرف آن حضرت برود. جریان زیر یک ارتباط روحی است که ناخواسته برایم رخ داده و از خوانندگان محترم می‌خواهم که به حقیقت این ارتباط فکر کنند نه به گوینده آن؛

در مسجدی که عده‌ای از جوان‌های عاشق و با محبت امام زمان (ارواح‌نفاذ) جمع بودند در تعقیبات نماز با حالت سوزناکی دعای فرج آن حضرت را می‌خواندند (الهی عظم البلاء) و من در همان حال به کلمات این دعا و ارتباط با امام عصر علیه السلام فکر می‌کردم. به دلم افتاد که امروز در مورد همین دعای فرج صحبت کنم و با همین دعا ارتباطی از روی معرفت و محبت بین خودم و مستمعین با امام زمان علیه السلام برقرار کنم.

شرح این دعای شریف را شروع کردم و در حقیقت خودم را بلندگویی می‌دیدم که کلمات می‌آید و من آنها را پنخس می‌کنم. **الهی عظم البلاء: بزرگترین بلا، بلای فراق و غیبت امام زمان** است که انسان از آن سرچشمه‌ی حقایق و معارف دور مانده است. در این موقع عاشق و شیدای حقیقت را مثل طفلی دیدم که تشنگی و عطش بر او فشار آورده و از ضعف خویش به درگاه خدا گریه و ضجعه و ناله می‌کند و آنچنان زمین بر او تنگ شده که به خدا شکایت

می کند و می خواهد از دل تنگی زمین به طرف آسمان پرواز کند ولی چه کند که به آسمان هم نمی تواند برود.

او طوری با ایمان و جدیت با خدا حرف می زد و مبهوت ذات مقدس پروردگار شده بود که فقط و فقط به حاجتش که فرج و گشایش و نجات از این مهلکه بود تمرکز کرده بود به شکلی که هیچ چیز او را از این ارتباط با محبوبش غافل نمی کرد.

دعا رسید به (اللهم صل علی محمد و آل محمد) متوجه شدم چون این فرد عاشق خالصانه از خدای مهربان طلب گشایش کرده، خدا هم او را راهنمایی کرد و به او گفت: ای بنده من که می خواهی به سوی من حرکت کنی و نجات پیدا کنی، اول رحمت خاص الخاص را برای بهترین بندگان من یعنی: «محمد و آل محمد» طلب کن، تا هم گناهانت را ببخشم و هم دعایت را مستجاب کنم و تو را هم وارد دیار رحمت خاص خود نمایم و دستت به دامن این بندگان برگزیده من - که راهنمای هدایت و سعادت تو هستند - برسد و آنگاه به او «محمد و آل محمد» علیهم السلام را معرفی نمود و فرمود اینها صاحبان امر تو هستند و تو باید با محبت امر آنها را اطاعت کنی و به آنها معرفت پیدا کنی. «یا محمد یا علی، یا علی یا محمد!»

آن عاشق تا متوجه مقام و منزلت اهل بیت عصمت و

طهارت علیه السلام شد و فهمید که آنها پیش خدا آبرو مند هستند، بدون آن که آنها را ببیند شروع کرد خدا را قسم دادن به حق آنها که فرجی برایش حاصل شود. ناگهان پیغمبر اکرم و علی بن ابیطالب (صلوات الله علیهما و آلهما) را در کنار خودش دید و شناخت. در همان حالی که دو زانو روی زمین نشسته بود، دست راستش را به دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انداخت و در حالی که حضرت ایستاده بودند و با تبسم به او نگاه می کردند عبای آن حضرت را محکم گرفت و با حالت خضوع و خشوع و امید فراوان به وجه الله الاکبر نگاه کرد و آرام و بادلی شکسته گفت: «یا محمد!» آنگاه چون حضرت علی علیه السلام نیز در کنار آن حضرت بودند، دست چپش را هم به دامن امام علی علیه السلام گرفت و رویش را به طرف آن حضرت چرخاند و ملتمسانه گفت: «یا علی!» همان طوری که رویش به طرف علی بن ابیطالب بود برای بار دوم گفت: «یا علی!» و دوباره چهره اش را به طرف پیامبر اکرم چرخاند و گفت: «یا محمد!» «اکفیانى فأنکما کافیان» شما مرا یاری کنید که دواى درد من نزد شماست.

درست مثل غریقى که طلب یارى کند متوسل به آن دو بزرگوار شده بود که امام زمان و فریادرس در ماندگان هم ظاهر شدند؛ در اینجا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دست مبارکش او را به سوی امام زمانش راهنمایی نموده، به او فرمودند: فرج و گشایش و نجات تو

در دست امام زمان تو که آخرین جانشین من می باشد است. او هم تا چشمش به جمال ملکوتی امام زمان افتاد خودش را روی پای آن حضرت انداخت و شروع کرد به گریه و ناله و با مولایش درد دل گفتن، همان طور که دست به دامن آن حضرت شده بود، اشک می ریخت و می گفت: «یا مولانا یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث! ادركنى، ادركنى، ادركنى! الساعة الساعة الساعة! العجل العجل العجل!» آقا جان تو به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس، ای مولای من! ای امام با محبت من، ای صاحب من! از شر شیطان و هوای نفس و تمام بدبختی ها و از همه بدتر از دوری و فراق تو و از نداشتن ارتباط با تو، به شما پناه می برم و در آخر به خدا گفت: یا أرحم الراحمین، ای مهربان ترین مهربانان! به حق محمد و آل طاهرین او، خودت امر فرج ما و مولای ما را امضاء کن! خوشا به حال او که دستش به دامن محبوبش رسید و سعادت دنیا و آخرتش را خرید، ای کاش ما هم با امام زمانمان ارتباط روحی برقرار کنیم، هر روز لااقل چند لحظه ای با او مناجات کنیم و با زبان ساده خود با آن حضرت گفتگو نموده و با این ارتباط به همه ی خوبی ها دست پیدا کنیم.^(۱)

ظهورم نزدیک است

امام زمان (ارواحنا فداه) در جواب مرحوم سید محمد گلپایگانی علیه السلام که پرسیده بود آیا وقت ظهور رسیده است تا دیدگان همه به جمال شما روشن شود، فرمودند:

«لم تبق من العلامات الا المحتومات و ربما اوقعت فی مدة قليلة فعليكم بدعاء الفرج»^(۱) از علائم ظهور فقط علامات حتمی مانده است، و شاید آنها نیز در مدت کوتاهی به وقوع بپیوندند، پس بر شما لازم است که برای فرج من دعا کنید.

همچنین امام زمان (ارواحنا فداه) به شخص فلجی که در مسجد مقدس جمکران توسط آن حضرت شفا یافته بود فرمودند: «شما خوب شدید، حالا بروید به دیگران بگویید برای ظهورم دعا کنند که ظهور انشاءالله نزدیک است.»^(۲)

همین طور مرحوم حاج سید رضا ابطحی (رضوان الله علیه) که از مؤسسين برگزاري جلسات دعای ندبه به صورت مرتب در مشهد مقدس بوده‌اند، از یک تاجر اصفهانی نقل می‌کردند که

۱ - شیفتگان حضرت مهدی، جلد ۱، ص ۱۸۴.

۲ - مسجد جمکران تجلی گاه صاحب الزمان علیه السلام صفحه ۱۲۵.

حضرت فرموده بودند: «فرج ما نزدیک است، به شیعیان ما بگویید دعای ندبه را روزهای جمعه بخوانند و برای فرج ما دعا کنند.»^(۱)

به شیعه‌ها بگو برام دعا کنند

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین شهید شیخ احمد کافی رحمته الله یکی از عاشقان دلسوخته و از منتظران ظهور امام زمان علیه السلام بود که آوای تکان دهنده و دلنشین او هنوز به گوش دوستان امام عصر (ارواحنا فداه) می‌رسد. ایشان در یکی از سخنرانیهای خود می‌فرمود:

یک نفر از رفقا از یزد نامه‌ای به من نوشته، آدم خوبی است، از عاشقان امام زمان علیه السلام است، از رفقای من است. در نامه‌اش یک چیزی نوشته که من را چند روز است خیلی منقلب کرده، گرچه این پیغام به علماء رسیده، به مرحوم مجلسی گفته، به شیخ مرتضی انصاری گفته، به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم گفته، به مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی گفته، و به بعضی از اوتاد دیگر گفته. این بنده خدا نوشته، من چهل شب چهارشنبه از یزد می‌آمدم قم مسجد جمکران، توسلی و حاجتی داشتم. شب چهارشنبه چهلمی یعنی دو هفته قبل بود، در مسجد جمکران خسته بودم، گفتم ساعتی اول

شب بخوابم، سحر بلند شوم برنامه‌ام را انجام دهم. صحن حیاط هوا گرم بود، خوابیده بودم، یک وقت دیدم از در مسجد مقدس جمکران یک مشت از طلبه‌ها وارد شدند. گفتم: چه خبر است؟ گفتند: آقا آمده!

من خوشحال شدم، دویدم رفتم جلو، آقا را دیدم، اما نتوانستم جلو بروم. گفتم: آقا آمده‌اند که آمده باشند؟ (یعنی آیا ظهور کرده‌اند و آمده‌اند که بمانند؟)

خود آقا فرمودند: «نه! اما برو به مردم بگو دعا کنند خدا فرج‌م را نزدیک کند.»

به خدا قسم آی مردم! دعا‌های شما اثر دارد، ناله‌های شما اثر دارد. خود آقا به مرحوم مجلسی علیه السلام فرموده: «مجلسی به شیعه‌ها بگو برام دعا کنند.»^(۱) آقا مدام پیغام می‌فرستد، به خدا دلش خون است. یا صاحب الزمان... یا صاحب الزمان...

زندانی غیبت

از آیت الله حاج آقا حسن قمی و حاج آقا اثنی عشری نقل شده که حضرت ولی عصر علیه السلام فرموده‌اند:
«به شیعیان بگو برای فرج من دعا کنید و از خدا بخواهید که مرا

از زندان غیبت نجات دهد.»^(۱)

با توجه به این فرمایش حضرت، هر کس باید وظیفه خود بداند که برای ظهور امام زمان دعا کند و دیگران را هم به دعا برای ظهور تشویق نماید. علاوه بر آن باید عملاً منتظر ظهور آن حضرت باشد و تا آنجا که می تواند در زمینه سازی ظهور آن حضرت تلاش نماید و روحیه انتظار را در جامعه احیا کند، زیرا انتظار نقطه مقابل فساد و فحشا است، یعنی کسی که منتظر امام زمان (ارواحنا فداه) باشد قطعاً از شیطان پیروی نکرده و هیچ گناه گناهی از او سر نمی زند، بنابراین ما باید کاری کنیم که فرهنگ انتظار در جامعه ما زنده گردد و به این طریق در مقابل شیطان و شیطان سیرتان مقابله نموده و ظهور امام زمان عزیزمان را نزدیک و نزدیکتر گردانیم و با ظهور آن حضرت خود را از زندان تاریک غیبت رهایی بخشیم.

گناهان شما مانع ظهور من است

یکی از دوستان صدیق و متدین، در یکی از شبهای نیمه شعبان در حالی که به خاطر دیدن گناهان علنی و اعمال خلاف شرع عده ای از مردم بسیار ناراحت شده و قلبش شکسته بود، در همان حال تشریف برایش حاصل شده بود که حضرت صاحب الزمان علیه السلام در

۱ - ندای ظهور شماره اول به نقل از مطلع الفجر صفحه ۱۸۳.

آن شب به ایشان فرموده بودند:

«امشب قرار بود در باز شود (و ظهور ما انجام شود) اما اعمال ناپسند و گناهان این مردم غافل نگذاشت (و باعث عقب افتادن ظهور ما شد).»^(۱)

شیعیان امام زمان (ارواحنا فداه) باید به این نکته کاملاً توجه داشته باشند که هر چه ما اوضاع اجتماعی خود را نابسامان کنیم و به گناه و معصیت آلوده نماییم در حقیقت باعث تخریب فضای سالم برای پذیرش امام زمان علیه السلام می شویم، امام زمان (ارواحنا فداه) هر لحظه منتظر هستند تا شیعیان کمی به خود بیایند و در میان تمام انسان‌های کره زمین، حداقل آنها به پاکی و معنویت رو بیاورند تا مایه امیدی برای آن حضرت باشند و در زمان ظهور بتوانند او را در جهانی کردن دین خدا یاری نمایند. در مقابل اگر شیعیان خود را به گناه و معصیت آلوده نموده و در غفلت و بی توجهی به سر ببرند در حقیقت باعث تأخیر ظهور آن حضرت شده و گناه بزرگی را مرتکب شده‌اند، لذا گناه شیعیان جرمی سنگین است و علاوه بر اینکه معصیت است خیانت نیز می باشد، یعنی خیانت به تمام انبیاء و اولیاء، خیانت به تمام انسان‌های زمین؛ حتی خیانت به طبیعت و تمام موجودات زنده. مخصوصاً کسانی که صد عن سبیل الله

می‌کنند و مردم را از صراط مستقیم باز می‌دارند یا آنها را دلسرد و مأیوس می‌نمایند عذاب سختی گریبانگیرشان خواهد شد.

بنابراین ما باید با جدیت کامل از گناه و اشتباه پرهیز کنیم و قلب مولای خود را از خود نرنجانیم. مخصوصاً مراقب باشیم با سخن یا کار خود مانع پیشروی دیگران در معنویات و پیشرفت روحی و اخلاقی آنها نشویم، هیچ کس را در مسیر حرکت به سوی خدا و اهل بیت علیهم السلام مأیوس نکنیم، مانع اجرا شدن احکام خدا در میان مردم نشویم، اولیاء خدا و زمینه سازان ظهور حضرت را مسخره نکنیم و خلاصه این که با کارهای ناپسند و ناشایسته خود باعث تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام و خیانت به مخلوقات خدا نگردیم.

دل من و مادرم زهرا علیها السلام شکسته است

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در یکی از تشرفات پس از شکوه و گلایه از وضعیت حجاب و فرهنگ با مظلومیت تمام فرمودند: «دل مادرم زهرا علیها السلام از پهلویش شکسته تر است!» و بعد از این کلام، آن حضرت گریه کردند. (۱)

در اینجا امام زمان (ارواحنا فداه) فرمودند: «دل مادرم از

پهلویش شکسته تر است» و در جای دیگر حضرت زهرا علیها السلام خطاب به علامه میرجهانی که از آن حضرت پرسیده بود احوال شما چطور است، فرموده بودند:

«دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود»

در این زمان دل فرزند من شکسته تر است»

این شعر فارسی را حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مظلومیت خود و فرزندش حضرت مهدی علیه السلام خوانده و از طریق مرحوم علامه سید محمد حسین میرجهانی طباطبایی رحمته الله به ما رسانده‌اند تا شاید ما تکانی بخوریم و از خواب غفلت بیدار شویم. به طوری که مراقب باشیم تا عمل ناشایستی از ما سرنزند و به وضعیت حجاب زنان در جامعه و اوضاع فرهنگی کشور مخصوصاً در مدارس و دانشگاه‌ها با جدیت کامل رسیدگی نماییم.

از من سخن بگوئید

یکی از اعمالی که خیلی در جلب نظر مبارک امام عصر علیه السلام مؤثر می‌باشد معرفی آن حضرت به جامعه و بیرون آوردن نام و یاد مبارکشان از غربت و فراموشی است، لذا این کار برای کسی که بخواهد نزد امام زمان علیه السلام محبوب شود یکی از بهترین راه‌های نزدیک شدن به آن حضرت است. در این رابطه جریانی هست که

علاوه بر اینکه از شبکه سراسری سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد در برخی از کتب نیز نقل شده است که یکی از اساتید دانشگاه تعریف می نمودند: خانم مهدیه یکی از دانشجویانی بود که در کلاسهای مذهبی ما حضور می یافت و خیلی شیفته امام زمان (عجل الله فرجه) بود و در فراق ایشان زیاد گریه می کرد. یک روز گفت که هیچ آرزویی جز زیارت و ملاقات با امام زمان علیه السلام ندارد و از این فراق شکایت می کرد.

من به ایشان گفتم مشکل شما این است که نسبت به اجتماع و اطرافیان بی تفاوت هستی، ایشان با تعجب پرسید چطور؟ از ایشان پرسیدم، چند نفر خانم در کلاس دانشگاه همراه شما درس می خوانند و آنها از لحاظ اخلاقی چگونه اند.

گفت پانزده نفر در کلاس هستیم و جز من و شخصی دیگر بقیه دوستانم در حال و هوای غفلت و گناه و دوری از خدا به سر می برند.

من گفتم: اگر شما بتوانی با اخلاق نیکو و از راه محبت آنها را با امام زمان (ارواحنا فداه) آشنا کنی و معنی لذت ترک گناه و لذت دوستی با امام زمان علیه السلام را به آنها بفهمانی، باعث قرب و نزدیکی بیشتر تو به حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) خواهد شد.

چون رسالت حضرت هم هدایت مردم به سوی خدا است.

بنابراین اگر این کار را انجام دهی در واقع مسیر کار تو با رسالت آن حضرت یکی می شود و در این زمینه با آن وجود مقدس سنخیتی پیدا خواهی کرد. ایشان قبول کردند و رفتند.

حدود یکسال از این ماجرا گذشته بود یک روز دانشجویی که جدیداً وارد شهرمان شده و خیلی آدم با صفایی هم بود با من تماس گرفت و در حالی که گریه می کرد گفت: آیا شما شاگردی به نام مهدیه... دارید؟ وقتی قضیه را پرسیدم، ایشان گفت دیشب در عالم خواب دیدم سر کلاس شما هستم و جوانان زیادی هم بودند. در همین حال حضرت بقیة اللہ علیه السلام به مجلس تشریف آوردند و فرمودند:

«من از مهدیه... خیلی راضی هستم به دلیل سه خصوصیتی که دارد. اول: او بیشتر برای دیگران دعا می کند تا برای خودش و مشکلات دیگران در درجه اول اهمیت برای اوست.

دوم: این که در هر مجلسی که وارد می شود ما را از غربت بیرون می آورد و در میان دیگران از ما یادی می کند و مانع آلوده شدن آن جمع به گناه و غیبت می شود.

سوم: همیشه در تنهایی اش به یاد ما است و برای ما دعا می کند.»

و بعد حضرت رفتند و به ایشان ابراز لطف کردند و مهدیه هم

گریه شوق می کرد. بعداً که با مهدیه گفتگویی داشتم متوجه پیشرفت های معنوی ایشان شدم و دانستم که ایشان نیز توفیق زیارت جمال مقدس امام زمان علیه السلام را پیدا کرده است. (۱)

از این راه راست جدا نشوید

یکی از مهم ترین مسائلی که موجب افزوده شدن غم و ناراحتی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می گردد و حتی به یقین می توان گفت بالاترین درد دل آن حضرت محسوب می شود انحراف فکری شیعیان از مسیر آن حضرت که همان صراط مستقیم است می باشد. هیچ چیز برای امام زمان همچون ایجاد بدعت و انحراف دردآور نیست، ایجاد مسلک ها و فرقه های گوناگون، ترویج بدعتها و خرافات و به طور کلی هر چیزی که از صراط مستقیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام خارج است، باعث گمراهی مردم از مسیر حق می گردد و لذا امام عصر علیه السلام از این مسأله بسیار ناراحت و غمگین هستند و در زمان ظهور نیز اولین و اساسی ترین کار آن حضرت از بین بردن تمام خرافات، بدعتها و انحرافات است. به همین جهت است که وقت ظهور آن حضرت عده ای خیال می کنند امام زمان علیه السلام دین جدیدی آورده است، در صورتی که دین

جدیدی در کار نیست بلکه برچیدن انحرافات و از بین بردن وصله‌هایی که به دین چسبیده، باعث شکوفایی و درخشش نور حقیقی اسلام می‌شود و این دین پاک آنچنان نورافشانی می‌کند که همه گمان می‌کنند دین جدیدی به روی کار آمده است. بنابراین در زمان غیبت شیعیان باید کاملاً در صراط مستقیم قرآن و عترت حرکت نموده و به مسلک‌ها و مکتب‌های ساخته افکار بشر روی نیاورند که این باعث رنجش آن وجود مقدس می‌گردد و جُرمش در نزد خدا بسیار سنگین است.

امام زمان علیه السلام در تشرفات و ملاقاتها بارها به این مهم تصریح نموده و همچون آباء و اجداد بزرگوارشان مردم را نسبت به این خطر عظیم آگاه نموده‌اند.

به عنوان مثال مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی رحمته الله فرموده‌اند:

در ایام تحصیل که در نجف اشرف بودم، در علم اخلاق و تزکیه نفس و سیر و سلوک از محضر آقای «سید احمد کربلایی» که یکی از عرفاء بلند پایه بود استفاده کردم تا آنکه در رشد و کمالات معنوی و تزکیه نفس از نظر ایشان به حد کمال و به اصطلاح به مقام قطبیت و فناء فی الله رسیدم. او به من درجه و سمت دستگیری از دیگران را داد و مرا استاد در فلسفه اشراق دانست. او مرا عارف

کامل و قطب و فانی فی الله می دانست ولی من که خود را نمی توانستم فریب دهم و هنوز از معارف چیزی نمی دانستم، دلم آرام نگرفته بود و خود را در کمالات ناقص می دانستم تا آنکه به فکرم رسید شبهای چهارشنبه به مسجد سهله بروم و متوسل به حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) بشوم، شاید آن آقای که خدای تعالی او را برای ما غوث و پناه خلق کرده توجهی به من بفرماید و صراط مستقیم را به من نشان بدهد. لذا به مسجد رفتم و از جمیع علوم می که «سر به سر قیل است و قال، نه از آن کیفیتی حاصل نه حال»، و از افکار عرفانی متصوفه و از بافته های فلاسفه، خود را خالی کردم و صد درصد با کمال اخلاص و توبه به مقام مقدس امام زمان علیه السلام، خود را در اختیار آن حضرت گذاشتم. ناگهان جمال پر نور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) ظاهر شد و به من اظهار لطف زیادی فرمود و برای آنکه میزانی در دست داشته باشم و همیشه با آن میزان حرکت کنم این جمله را به من فرمودند: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساو لانکارنا». یعنی: طلب معارف و شناخت حقایق از غیر خط ما اهل بیت مساوی است با انکار ما. وقتی مرحوم میرزای اصفهانی این جمله را از آن حضرت می شنود، متوجه می گردد که باید معارف حقه را تنها و تنها از مضامین آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده کند و لذا به مشهد مقدس

مشرف می گردد، معارف قرآن و اهل بیت را به پاک طینتان از اهل علم تعلیم می دهد و شاگردانی که همه اهل معنی و تشریف و تزکیه نفس و در صراط مستقیم معارف حقه هستند به جامعه روحانیت تحویل می دهد.^(۱)

من در تقیه هستم

یکی از کسانی که سالها در فراق امام زمان (ارواحنا فداه) اشک می ریخت و گریه می کرد و حتی برای ملاقات آن حضرت بارها به سفر خانه خدا رفته بود علی بن مهزیار اهوازی است. ایشان پس از چندین سال انتظار بالاخره توفیق زیارت جمال یوسف زهرا علیها السلام را پیدا کرد که جریانش مفصل است.

اما آنچه که من می خواهم به عنوان درد دل امام زمان (ارواحنا فداه) از این جریان نقل کنم سخنی از امام عصر (ارواحنا فداه) خطاب به علی بن مهزیار است. وقتی علی بن مهزیار از آن حضرت سؤال کرد: آقا شما چرا از ما دور هستید و چرا ظهورتان به طول انجامیده است؟

آن حضرت فرمودند: «پسر مهزیار، پدرم ابو محمد علیه السلام از من پیمان گرفت که مجاور قومی نباشم که خداوند بر آنها غضب کرده و

در دنیا و آخرت مورد نفرت و مستحق عذاب دردناک هستند و به من امر فرموده جز در کوه‌ها و بیابان‌ها (و نقاط دور دست) نمانم. به خدا قسم مولای شما امام حسن عسکری علیه السلام خود رسم تقیه پیش گرفت و مرا نیز در دوران غیبت به آن امر فرمود که اکنون من در تقیه به سر می‌برم تا روزی که خداوند به من اجازه دهد و قیام کنم.»^(۱)

منظور حضرت از کسانی که خداوند بر آنها غضب کرده و در دنیا و آخرت آنها را مورد نفرت و عذاب قرار داده، دشمنان آن حضرت هستند که اگر بتوانند امام زمان علیه السلام را نیز مثل اجداد طاهرینش به شهادت می‌رسانند. این سخن حضرت در واقع کنایه‌ای است به شیعیانشان، با این سخن می‌خواهند به شیعیان خود بفهمانند که اگر شیعیان همه با هم یکی شده و خالصانه به سوی ما حرکت کنند و ما را یاری نمایند، ما حتماً ظهور می‌کنیم؛ زیرا اگر شیعیان ما با جدیت و یکپارچگی و وحدت به یاری ما بشتابند در حقیقت به ما قدرت داده و دیگر دشمنان ما نمی‌توانند بر ما غلبه کنند، آنگاه ما با یاری آنها به اهداف خود دست یافته و دین خدا را در تمام جهان تثبیت می‌نماییم.

اعمال بد شما حجاب است

همچنین علی بن مهزیار اهوازی می گوید: وقتی که در مسجد الحرام فرستاده حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را زیارت کردم از جمله از من پرسید که دنبال چه هستی؟ عرض کردم: دنبال امامی که از اهل عالم محجوب و پوشیده است. فرمود: ایشان از شما محجوب نیست، بلکه پرده اعمال بد شماست که او را پوشانده است. (۱)

«میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز»

شما ما را فراموش کرده اید

یکی از اولیاء خدا می فرمودند: در ایام جوانی که خیلی مشتاق دیدار امام عصر ارواحنا فداه بودم، یک روز خطاب به آن حضرت عرض کردم: آقا جان! ما اگر از نظر سیدی هم باشیم رحم شما هستیم، من در فراق شما سوختم، پس چرا با ما صله رحم نمی کنید و به ما سری نمی زنید؟

همان شب خدا توفیق عنایت فرمود و من آقا و صاحبم

حضرت صاحب الزمان (روحی فداه) را ملاقات نمودم در حالی که آن حضرت به من فرمودند: «ما هیچ گاه شما را فراموش نکرده ایم، شما که هر چه خواسته اید ما به شما داده ایم، شما نباید ما را فراموش کنید.»

آنها همواره به یاد ما بوده و هستند و آنها خواهان رهایی ما از تمام ناراحتی ها و گرفتاری ها هستند اما این ما هستیم که پدر مهربان خود را فراموش کرده و قطع رحم نموده ایم و فراموش کرده ایم که آن حضرت همواره به ما محبت نموده و هیچ گاه ما را فراموش ننموده اند و این سیره همه امامان معصوم علیهم السلام است.

درد دل غریبانه

در پایان به صورت اختصار گزیده ای دیگر از فرمایشات امام زمان ارواحنا فداه که نشان دهنده مظلومیت و غربت آن حضرت است را از میان تشرفات مختلف و احادیثی که به ما رسیده برایتان نقل می کنیم:

حق ما را گرفتند!

* از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرموده اند: «در هنگام ظهور حضرت قائم علیه السلام بین رکن و مقام می ایستد و نماز خوانده و به همراه وزیر خود رو به مردم نموده و می فرماید: ای مردم ما از

خداوند علیه کسانی که به ما ظلم نمودند یاری می‌خواهیم، آنان که حق ما را گرفتند... ما امروز همهٔ مسلمان‌ها را شاهد می‌گیریم که مظلوم واقع شدیم، مردم ما را طرد کردند و بر ما ستم شد، ما را از سرزمین و اموال و بستگانمان اخراج نمودند، ما مورد قهر آنان واقع شدیم، آگاه باشید، ما امروز از خدای تعالی و از هر مسلمانی کمک و یاری می‌خواهیم.»^(۱)

من خیلی غریبم! برای فرجم دعا کنید

* حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در برخی دیگر از تشرفات خود فرموده‌اند: «من خیلی تنها هستم! من خیلی غریبم! چرا برای فرجم دعا نمی‌کنید؟ دعا کنید، و بدانید که تبلیغات کم است و الا غیبت من اینقدر طولانی نمی‌شد، گناه شیعیان، برای من خیلی سخت است، جوان‌ها باید خود را اصلاح کنند.

باید در اجتماعات خود از من یاد کنید، من برای شما دعا می‌کنم، شما هم برای فرجم دعا کنید.^(۲) برای ظهورم باید زمینه سازی کنید یعنی آنچه را که اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند انجام دهید، بچه‌هایتان را خوب تربیت کنید و اگر می‌خواهید ما از شما راضی باشیم به آنچه که جد بزرگوارم امام صادق علیه السلام فرموده: «کونوا لنا

۱ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۲۳، مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۲۷۸.

۲ - دعوت لکم فادعوا لی بالفرج، وقت معلوم صفحه ۲۲۰.

زینا و لاتکونا علینا شینا»^(۱) عمل نمایید، یعنی برای ما زینت باشید و باعث خجالت و سرشکستگی ما نباشید، و بدانید که «الوقتُ قد دنا» قطعاً زمان ظهور من نزدیک است.»^(۲)

حرکت در صراط ولایت

* امام زمان علیه السلام فرمودند: «به سمت چپ و راست متمایل نشوید، بلکه راه خود را بر یک روش روشن به سوی دوستی و محبت ما قرار دهید.»^(۳)

چه کسانی امام زمان را اذیت می‌کنند؟

* حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: «همانا جهال و نادانان از شیعه و کسانی که بال مگس (که همان ظواهر دنیا و هواهای نفسانی است) برای آنها ارزشش از آن دینی که دارند بیشتر است، ما را اذیت می‌کنند.»^(۴)

۱ - کافی جلد ۲ صفحه ۷۷، وسائل الشیعه جلد ۲ صفحه ۸ و بحار الانوار جلد ۶۵ صفحه ۱۵۱.

۲ - مجموعه‌ای از فرمایشات آن حضرت منتخب از کتابهای امام زمان و سید بن طاووس، شرح زیارت آل یاسین صفحه ۳۶۵، در انتظار خورشید ولایت صفحه ۲۴۰، ملاقات با امام زمان در عصر حاضر صفحه ۱۶۰ - ۱۶۲.

۳ - «وَلَا تَعْبِلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوْدَةِ عَلَى السُّنَّةِ...» احتجاج طبرسی جلد ۲ صفحه ۲۷۸.

۴ - «قَدْ أَذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَحُمَقَانِهِمْ وَمَنْ دِينَهِ جَنَاحُ الْبِعُوضَةِ أَرْحَجُ مِنْهُ» وقت المعلوم صفحه ۲۳۳.

هر چه را بخواهید به آن می‌رسید

* حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) در قسمتی از توقیع خود به ابی العباس کوفی چنین مرقوم فرمودند: «ان استرشدت ارشدت وان طلبت وجدت» اگر واقعاً خواستار رشد روحی و کمال و هدایت باشی، هدایت شده و رشد خواهی کرد و اگر به حقیقت تشنه‌ی ما باشی و راه ما را طلب کنی قطعاً به مقصودت خواهی رسید.

این پیام حضرت نشانگر آن است که ما صد در صد، ظهور حضرت و رسیدن به رضایت آن بزرگوار را نخواسته‌ایم، زیرا اگر بخواهیم حتماً به خواسته‌ی خویش می‌رسیم، همان طور که حضرت علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: «هر دری را بسیار کوبیدی بالأخره آن در به رویت باز خواهد شد و اگر برای رسیدن به هر چیز با جان و دل تلاش کنی به نتیجه‌ی تلاشت دست خواهی یافت.»^(۱)

دعا را دست کم نگیرید

* حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه با حالت خاصی که گویای مظلومیت و سوز دل آن حضرت بود به یکی از طلاب فرمودند: «چرا به مردم نمی‌گویی امام زمانم مظلوم است، برو بگو مردم مرا فراموش کرده‌اند، بگو امام زمانم غریب است، مردم به یاد من نیستند!» همچنین در جای دیگر فرموده بودند: «برای فرجم دعا

۱ - قال علی علیه السلام: «من جد وجد و من لج ولج» و قال علیه السلام: «من استدام قرع الباب ولج ولج».

کنید که اگر دعا کنید به اندازه چشم بر هم زدنی فرج من خواهد رسید.»^(۱)

به کجا می روید؟

* همچنین آن حضرت در تشرّف جناب شیخ محمد طاهر نجفی خطاب به شخصی که آثار گناه و غفلت در چهره اش نمایان بود فرمودند: «هان! کجا فرار می کنی؟ مگر زمین از آن ما نیست؟ مگر آسمانی که بر سر شما سایه افکنده ملک ما نیست؟ (پس چرا گناه می کنی؟) باید در زمین و آسمان احکام و دستورات خدا حاکم گردد و تو باید مطیع فرمان خدا باشی، بدان که (اگر توبه نکنی و به آغوش ما باز نگردی) نتیجه اعمال بد خود را خواهی چشید.»^(۲)

در اینجا حضرت فرمودند: «به کجا فرار می کنی؟ (در حالی که هر جا بروید، من شما را می بینم و حتی از خطورات فکری شما باخبرم)» و خدای عزیز هم در قرآن می فرماید: «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ؟» کمی به سر و وضع خود بنگرید، به کجا می روید، این همه سر درگمی و غفلت از مسیر حق برای چیست؟!...

۱ - در اوج تنهایی صفحه ۹۰، راهی به سوی نور صفحه ۱۶۵.

۲ - نجم الثاقب صفحه ۵۷۷.

سخن آخر

این بخشی از شکوه‌ها، پیام‌ها و درد دل غریبانه امام زمان ارواحنا فداه است که ما در این کتاب برای شما نقل نمودیم، این ندای مظلومیت یوسف گمگشته حضرت زهرا علیها السلام است که با هم شنیدیم، این آوای تکان دهنده غریب‌ترین امام است، مظلوم‌ترین آقا و تنهاترین مولا، او که میلیون‌ها نفر از صمیم قلب او را دوست دارند و خود را شیعه آن حضرت می‌خوانند، این اوست که غزل حسرت می‌خواند و آوای غربت سر می‌دهد، آری! این نجوای غریبانه آخرین سفیر غریب است که به گوش جان طنین انداز است. این ما و این انصاف ما، این ما و این وجدان ما، آیا ما محب او نیستیم؟! اگر هستیم پس چرا آقای ما غریب است؟! آیا این همه شیعه و عاشق برای یاری او کافی نیست؟ ما چگونه عاشقی هستیم، بیداریم یا خواب،

«عَجَبًا لِعَاشِقٍ كَيْفَ يَنَامُ

كُلُّ نَوْمٍ لِعَاشِقٍ حَرَامٌ»

«عجب از عاشقی که خواب کند

خواب بر عاشقان حرام بود»

آیا وقت بیداری نرسیده؟ دیگر چقدر صبر و حوصله؟! تاکی؟

آیا هزار و صد و هفتاد سال کافی نیست،

خورشید را بگویند دیگر ز در در آید

تا شام تار هجران بر عاشقان سر آید

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ»^(۱) آیا موقع

آن نرسیده که مؤمنین (از خواب غفلت بیدار شوند و) قلبهای خود را به یاد حقیقی خدا خاشع نمایند.

آیا موقع آن نرسیده که شیعیان یکپارچه به ندای یاری طلبی امام

زمان خویش لبیک گویند. باید بیدار شد، باید کاری کرد، باید از جان

و دل مولا را صدا بزنیم و بگوئیم: «یا صاحب الزمان» ما در

آشفته‌گی‌های آخرالزمان در حال غرق شدنیم، در بیابان جهل و

نادانی خویش راه را گم کرده‌ایم و در زندان تاریک هوای نفس و

شیاطین اسیریم، و تو فریاد رس در ماندگان و یاور بیچارگانی، تو

سالار ما و صاحب‌الزمانی، جان ما به فدایت، ای منجی آخرالزمان

غفلت ما ببخشا، سستی ما نادیده بگیر و به فریادمان برس...

«اللهم انت كشاف الكرب و البلوى و اليك استعدي وعندك

العدوى و انت رب الاخرة و الاولى فاغث يا غياث المستغِيثين»^(۲)

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

۱- سوره حدید آیه ۱۶.

۲- فرازی از دعای ندبه، مفاتیح الجنان صفحه ۱۰۴۵.

قال علی علیه السلام:

«فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمَ الشَّرِيَّ»

صبحگاهان، رهروان شب ستایش می شوند.

این سخن گهربار مولای متقیان علیه السلام ضرب المثلی است، به این معنا که آینده از آن استقامت کنندگان است و در صبح ظهور، از کسانی که در شب تاریک غیبت، دست از یاری امام زمان علیه السلام و زمینه سازی برای ظهور با شکوه آن حضرت برنداشته اند تقدیر می شود.

نهج البلاغه خطبه ۱۶۰

قال علی علیه السلام:

«فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عُلْمٌ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ»

در گردش روزگار، مردان واقعی (و یاران حقیقی امام
زمان علیه السلام) شناخته می شوند.

یکی از نشانه‌های منتظران حقیقی و یاران راستین امام
زمان علیه السلام صبر و استقامت در سختی‌ها و امتحانات
زمان غیبت می باشد به طوری که همچون بنیان
مرصوص، با ایمان و اعتقادی راسخ، دست از محبت و
اطاعت امام و مولای خویش بر نمی دارند.

نهج البلاغه حکمت ۲۱۷.

رمز ظهور

با تحقیقی که در برداشتهای قرآنی و روایات اهل بیت علیهم السلام و پیام‌های امام زمان علیه السلام شده، مشخص می‌شود که رمز ظهور حضرت بقیه الله (ارواح‌نفاذ)، تنها سه کار است:

۱- دعا

۲- تبلیغ

۳- خودسازی

بنابراین در مرحله اول باید به سوی پاکی حرکت کرده و با خودسازی و تزکیه نفس زمینه را برای ظهور خورشید نور و پاکی فراهم نماییم.

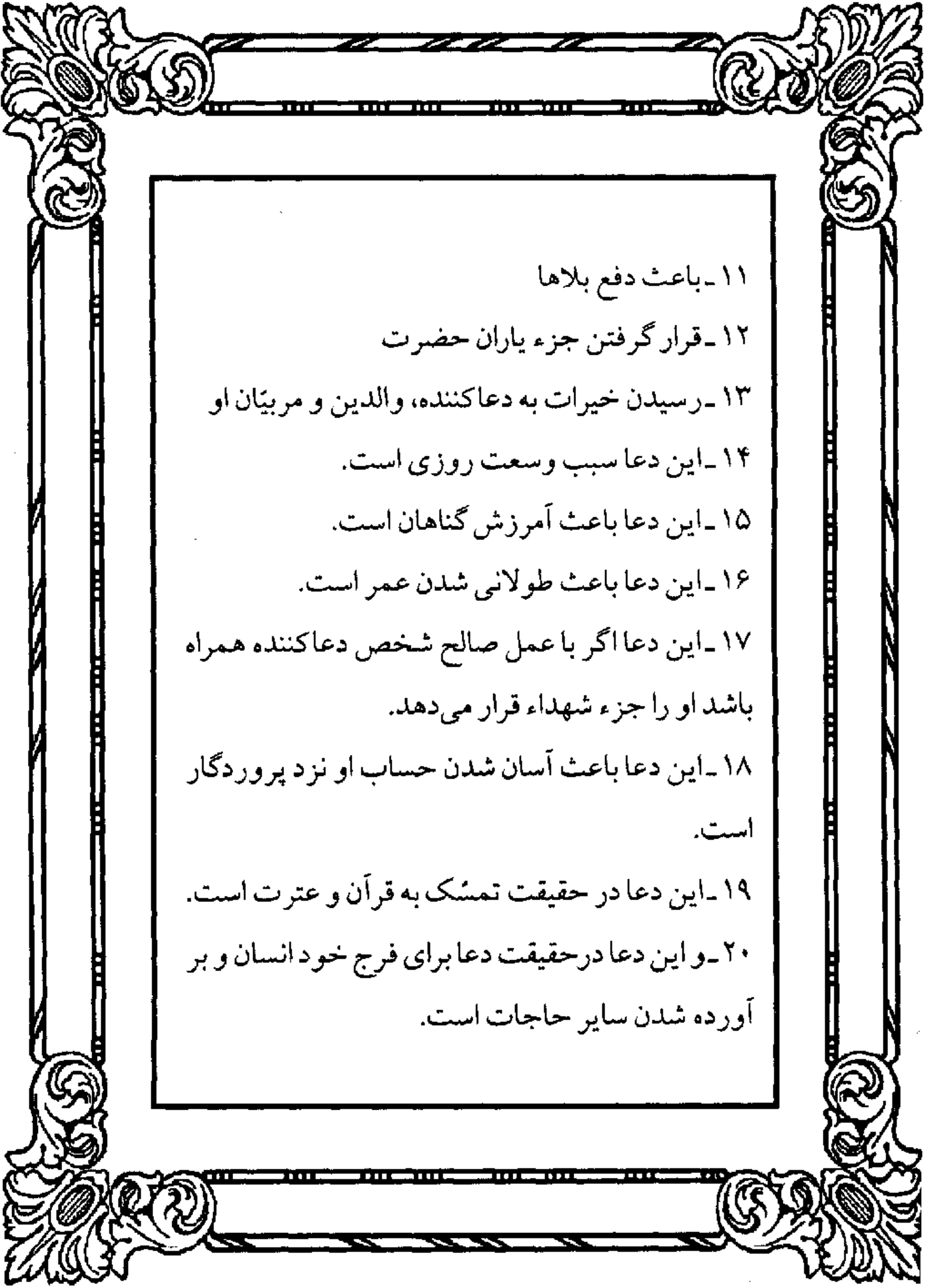
آنگاه همواره برای فرج امام عصر علیه السلام دعا نموده و دعا برای فرج آن بزرگوار را به فرزندان خویش و دیگران نیز یاد دهیم و در رابطه با معرفت آن حضرت، ارزش انس با آن امام مهربان و فایده‌های ظهور ارزشمندش تا آنجا که می‌توانیم تبلیغ و تلاش نماییم.

بنابراین این پیامک خوبی برای دوست شما با تلفن همراه است:

رمز ظهور امام زمان علیه السلام = دعا، تبلیغ و خودسازی

برخی از نتایج دعا برای فرج امام زمان علیه السلام

- ۱- اظهار محبت قلبی به امام عصر ارواحنفاده
- ۲- نشانه انتظار
- ۳- نشانه عدالتخواهی و صلح دوستی
- ۴- زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام
- ۵- شکستن دیوارها و حجابهایی که باعث غیبت امام زمان علیه السلام و دوری ما از آن حضرت شده است.
- ۶- مایه وحشت و ناراحتی شیطان لعین
- ۷- نجات یافتن از فتنه‌های آخرالزمان
- ۸- دعا برای فرج سبب می‌شود که امام زمان (ارواحنفاده) متقابلاً برای ما دعا کنند.
- ۹- باعث استجابت دعاهاى دیگر
- ۱۰- بهره بردن از شفاعت ائمه اطهار علیهم السلام

- 
- ۱۱- باعث دفع بلاها
 - ۱۲- قرار گرفتن جزء یاران حضرت
 - ۱۳- رسیدن خیرات به دعاکننده، والدین و مربیان او
 - ۱۴- این دعا سبب وسعت روزی است.
 - ۱۵- این دعا باعث آمرزش گناهان است.
 - ۱۶- این دعا باعث طولانی شدن عمر است.
 - ۱۷- این دعا اگر با عمل صالح شخص دعاکننده همراه باشد او را جزء شهداء قرار می دهد.
 - ۱۸- این دعا باعث آسان شدن حساب او نزد پروردگار است.
 - ۱۹- این دعا در حقیقت تمسک به قرآن و عترت است.
 - ۲۰- و این دعا در حقیقت دعا برای فرج خود انسان و بر آورده شدن سایر حاجات است.

گزیده‌ای از اشعار مؤلف

مرغ پرواز

از دوستان بعید است بسی مهر و بسی وفایی

آئینه را نشاید بسی نور و بسی صفایی

حسرت که مرغ پرواز از بام ما گذر کرد

ما را نبود دیشب بر آسمان نگاهی

قنوس گر خیال و سیمرغ گر فسانه است

پرواز را نباید افسانه دید و وامی

دروازه طلوع ما را به شب نسبتند

باز است آسمان و دل‌های ما هوایی

بالت اگر ندادند اعجاز کن به سینا

بشکاف قلب نیل و برزن در آن عصایی

پرهای اگر شکسته روکن به سوی خورشید

بال و پرت نشان ده گیر از کفش دوایی

گر قلبت از غم شب مجروح و سرخه پوش است
بیاب المراد بنگر تا جان دهد شفایی
افتاده‌ای پریشان گویا اسیر نفسی
آزاد شو به تاکی سجاده ریایی
گردی بچرخ و دستی از آستین در آور
شوری بیاب و مستی در نی بزن نوایی
دل باز کن به سوی ماه شب و نظر کن
نزدیک گشته صبح و آید به جان ندایی
در خانه محبت محبوب را صدا کن
کز کعبه روز دیگر آید تو را صدایی
ای شاه عشق و امید، امید بر تو دارم
تا اندر این نسیم جان بسخس رونمایی
وز لطف بی حسابت این چهره را بشویی
بسخشی به مهر شاهی بی شرمی گدایی
روشن کنی و زیبا دنیای عاشقان را
ملک خدا نمایی با جلوه ات خدایی
سبزی هم از میان عشاق برگزینی
تا نوکری نماید بر خوان پادشاهی

خورشید رفتنی نیست

یک شب به خواب دیدم کان یار خنده می کرد
در خواب هم مرا او چون روز بنده می کرد
او دید کار نیکی از من به من بگفتا
اکنون دعا نمودم تا رخصت دهد شاه
تا او چنین دعا کرد راهی برم گشودند
از آنچه بودمی من بس بهترم ستودند
آن شب به خواب دیدم من ماه آسمان را
در راه خانه خود خورشید جمکران را
او بود رو برویم من غرق نور رویش
آغوش وانمود و خواندی مرا به سوش
دیدم طلوع سبزی در چهره اش عیان بود
دستار هاشمی اش بر شاهی اش نشان بود
یک ماه در کنارش آهسته راه می رفت
هرگز جلو نمی زد او پشت شاه می رفت
پرسیدم اوست خورشید آیا مقابل من
من لایقش نبودم او گشته قابل من
مه گفت او همان است او پادشاه جان است
او آرزوی دلها او صاحب الزمان است

با چشم خود به من گفت دریاب شاه خود را
در آسمان نظر کن بی پرده ماه خود را
تا داد اذن پرواز من نیز پر گشودم
با یک نظر به خورشید خود را ز غم زدودم
شد قسمتم ببوسم پیشانی خدا را
دیگر چه چیز بهتر شه می دهد گدا را
یک لحظه بود خوابم اما به عمر ارزید
تا حرف رفتن او زد قلبم شکست و لرزید
او در مسیر رفتن من در فروغ دیدار
من مانده لیک قلبم می رفت در پی یار
می رفت و در غروبش دیدم طلوع دیگر
در آخرین افولش دیدم شروع دیگر
او نور بخش جان است خاموش گشتنی نیست
من رفته ام ز اینجا خورشید رفتنی نیست
در انتهای چشمم دیدم رخس عیان است
مولای من دوباره راهی جمکران است
در یسار او فنا شد سبزی و سبز گردید
شکر خدا که چشمم روشن شد و رخس دید

خورشید در حجاب است

در باورم نگنجد خورشید در حجاب است
شاید که این حکایت از قصه‌های خواب است
در شام تیره من مه نیز خسته گشته
از هجر روز خورشید شاید در اضطراب است
گیسوی آسمان را مادر نکرده کوتاه
آری به این بلندی مومایه عذاب است
شب هست و چون شبانی کز گله گشته غافل
در یک ره شبانه پیر است و چون شباب است
انگار شب نه انگار باید تمام گردد
راحت به جا نشسته شب نیز خود به خواب است
عالم به خواب ناز و خورشید چشم در راه
ای وای این چه رسم انسان بی حساب است
اورا که حق سرشته با روح پاک آبی
خورشید از گناهِش در شکوه و عتاب است
و آن گوهری که اندر قلب صدف بنخندد
اکنون در این سیاهی با رنگ غم خضاب است

در این میان یکی را محبوب دل پسندد
آن کس که در کفش می با ساغر شراب است
قلبی تپان تپان است اندر فراق لیلا
و آن سینه سفید مجنون بی نقاب است
عشق است در میان این خیمه های کوچک
طفلی سفر نموده وین خیمه از ریاب است
سیمای کوکب من در آسمان نهان شد
زین پس دو چشم خونبار ما را و دل کباب است
دنیای ما پریشان از هجر روی خورشید
آدم جدا زمشق و مطرود از کتاب است
سبز است زندگی ات سبزی به نام صاحب
بی نام و بی نشان این زندگی سراب است

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۸	شکوه‌های امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۴	روضه آخرین امام
۱۵	روضه آقا شنیدنی است
۲۱	اوامر و نواهی ما را ترک نکنید
۲۲	من صبر می‌کنم و شما بر من گریه کنید
۲۴	چشمها گریان شده!
۲۶	چشم گریان حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۷	من هم مثل جدم حسین تنها هستم!
۲۸	توقع امام زمان از شیعیان
۲۸	تزکیه نفس کنید
۲۹	سه واژه در دیدگاه دشمنان
۳۲	شیعیان مرا نمی‌خواهند
۳۳	اگر شما بخواهید ما می‌آییم
۳۳	دل‌م خون است!
۳۴	من مظلوم‌ترین فرد عالمم
۳۵	سفره نشینان بی‌وفا
۳۷	۳۰ سال طلبه‌ام!
۳۹	فرق خواب و بیدار
۳۹	فرمایشی از امام خمینی <small>رحمته الله</small>
۴۰	خدمت به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۲	همه باید به یاری امام زمان خویش بشتابند
۴۲	مردم به فکر من نیستند!
۴۳	چرا برای من به جمکران نیامده‌اند
۴۷	از خدا بترسید و ما را مدد کنید

۴۸	آواره بیابانها.....
۵۲	مصیبت امروز!.....
۵۶	این کارها مرا رنج می دهد.....
۵۹	باید که تشنه گردی از بهر دیدن ما.....
۶۱	من شما را مؤاخذه می کنم.....
۶۲	من همیشه با شما هستم.....
۶۳	خدایا مرا به که وا می گذاری؟.....
۶۵	در اوج مظلومیت.....
۶۶	تهمت هایی که به امام زمان <small>علیه السلام</small> می زنند.....
۶۹	تو دیگر چرا؟.....
۷۴	فرج من فرج شماست.....
۷۷	اهمیت دعای فرج.....
۷۸	برای فرج خدا را به عمه ام زینب قسم دهید.....
۷۹	شما هم برای فرج من دعا کنید.....
۷۹	دعای فرج را بخوانید.....
۸۰	ملاقات روحی و ارتباط واقعی در دعای فرج.....
۸۵	ظهورم نزدیک است.....
۸۶	به شیعه ها بگو برام دعا کنند.....
۸۷	زندان غیبت.....
۸۸	گناهان شما مانع ظهور من است.....
۹۰	دل من و مادرم زهرا <small>علیها السلام</small> شکسته است.....
۹۱	از من سخن بگوئید.....
۹۴	از این راه راست جدا نشوید.....
۹۷	من در تقیه هستم.....
۹۹	اعمال بد شما حجاب است.....
۹۹	شما ما را فراموش کرده اید.....
۱۰۰	درد دل غریبانه.....

۱۰۰	حق ما را گرفتند!
۱۰۱	من خیلی غریبم! برای فرجم دعا کنید
۱۰۲	حرکت در صراط ولایت
۱۰۲	چه کسانی امام زمان را اذیت می‌کنند؟
۱۰۳	هر چه را بخواهید به آن می‌رسید
۱۰۳	دعا را دست کم نگیرید
۱۰۴	به کجا می‌روید؟
۱۰۵	سخن آخر
۱۰۹	رمز ظهور
۱۱۰	برخی از نتایج دعا برای فرج امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱۲	گزیده‌ای از اشعار مؤلف
۱۱۲	مرغ پرواز
۱۱۴	خورشید رفتنی نیست
۱۱۶	خورشید در حجاب است
۱۱۸	فهرست

برخی از آثار مؤلف:

- ۱ - ندای صاحب الزمان علیه السلام
- ۲ - ارواح معین
- ۳ - درد دل امام زمان علیه السلام
- ۴ - ملاقات با امام زمان علیه السلام در عصر حاضر
- ۵ - وارونه‌ها و خرافات در آخر الزمان
- ۶ - فاطمه کوثر خدا
- ۷ - روح شهید
- ۸ - عشق حقیقی من
- ۹ - حدیقة الحکم (بوستان حکمت‌ها)
- ۱۰ - شام پریشانی
- ۱۱ - گلستان سبزی (دیوان اشعار)
- ۱۲ - مجموعه کتاب‌های بچه‌های خورشید
(کتاب‌های داستانی و اشعار کودکان) ویژه کودک و نوجوان.